


Content Analysis of the Qom Hadith Schools to Identify Validation Criteria of Hadiths and Compare them with Indicators of Resources Validation in Scientometrics


Leila Salehinia¹

Javad Abbaspour^{2*}

Zahra Ghasemnejad³

 1. Graduate in Knowledge and Information Science, Shiraz University, Shiraz, Iran. Email: leilasalehiniya@gmail.com

 2. Assistant professor, knowledge and information science department, Shiraz University, Iran. (Corresponding Author)

 3. Assistant professor, Theology and Islamic Studies Department, Shiraz University, Iran. Email: z_ghasemi62@yahoo.com

Email: javad.abbaspour@gmail.com

Abstract

Date of Reception:
22/12/2019

Date of Acceptation:
07/05/2020

Purpose: The objective of the present study was to compare the validation criteria of the Qom Hadith Schools with indicators of resources validation in Scientometrics from the viewpoints of Hadith and Scientometrics' experts.


Methodology: The research is basic in terms of purpose and survey-descriptive in terms of method. It has also used the method of qualitative content analysis. The population consisted of all resources written in Qom Hadith school; and 60 experts in Scientometrics and. The data were collected using Derayat Al Noor software, Hadith works by Sheikh Saduq, and a researcher-made checklist based on the Lawshe technique.

Findings: The findings showed that the most important validation criteria for Hadith in Qom Hadith school included validation through comparing Hadith with other credits and documents, the authenticity of the document, citation to the prominent critics' views on evaluating the narrators and their narrations, narrations in the famous books, trust in the famous writings of companions, the preference of some methods of collecting Hadith, the validation of Hadith implications, careful treatment of some narrators' works due to their lack of explicit approval, verbal beliefs, the multiplicity of Hadith, attention to the narrator's citation and the content analysis of Hadith.



Conclusion: An agreement between Scientometrics and Hadith' experts in terms of the conformity of the indicators of resource validation in Scientometrics and validation criteria for Hadith shows a close relationship between these two areas, Therefore, the root of the citation can be found in the Hadith sciences.

Keywords: resource validation indicators, Hadith validation, scientometrics, Hadith, Qom Hadith Schools.

تحلیل محتوای منابع مکتب حدیثی قم به منظور شناسایی معیارهای اعتبارسنجی احادیث و مقایسه آنها با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی

لیلا صالحی نیا^۱۱. دانش‌آموخته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شیراز. 

Email: leilasalehiniya@gmail.com

جواد عباس پور^{۲*}۲. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) زهرا قاسم‌نژاد^۳۳. استادیار گروه علوم قرآن و فقه، دانشگاه شیراز. 

Email: z_ghasemi62@yahoo.com

Email: javad.abbaspour@gmail.com

چکیده

هدف: هدف این پژوهش تعیین میزان همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث در مکتب حدیثی قم با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی از دیدگاه متخصصان علم‌سنجی و علم‌الحدیث بود.

روش‌شناسی: پژوهش به لحاظ هدف، بنیادی و به لحاظ روش، پیمایشی-توصیفی است. همچنین از روش تحلیل محتوای کیفی بهره برده است. جامعه پژوهش شامل منابع مکتب حدیثی قم در زمینه اعتبار احادیث؛ و همچنین، متخصصان علم‌سنجی و علم‌الحدیث بود. نمونه پژوهش ۶۰ نفر از متخصصان علم‌سنجی و علم‌الحدیث (هر گروه ۳۰ نفر) بودند. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار درایه‌النور، آثار حدیثی شیخ صدوق و سیاهه واریسی محقق ساخته مطابق روش پیشنهادی لاوشی گردآوری و تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که مهم‌ترین معیارهای اعتبارسنجی احادیث در مکتب حدیثی قم عبارتند از: اعتبارسنجی به‌وسیله قیاس حدیث با سایر اعتبارات و مستندات، صحت سند، استناد به آرای نقادان برجسته، وجود روایت در کتاب‌های مشهور و معتبر، اعتماد به نگاشته‌های مشهور اصحاب، ارجحیت برخی از روش‌های اخذ حدیث، اعتبارسنجی مصادر حدیثی، برخورد احتیاط‌آمیز با منفردات برخی روایان به سبب توثیق‌نشدن صریح آنها، باورهای کلامی، کثرت حدیث، توجه به استناد راوی و تحلیل محتوای حدیث.

نتیجه‌گیری: به‌طور کلی متخصصان علم‌سنجی و علم‌الحدیث درباره همخوانی شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی با معیارهای اعتبارسنجی احادیث توافق داشتند که حاکی از رابطه نزدیک این دو حوزه با یکدیگر دارد؛ بنابراین، می‌توان ریشه استناد را در علم‌الحدیث جستجو نمود.

واژگان کلیدی: شاخص‌های اعتبارسنجی منابع، اعتبارسنجی احادیث، علم‌سنجی، علم‌الحدیث، مکتب حدیثی قم

صفحه ۲۷۲-۲۴۵

دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱

پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۸

مقدمه و بیان مسئله

در اکثر منابع موجود بین‌المللی و داخلی که اغلب برگردان متون غربی به فارسی‌اند، سابقه استناد و به‌کارگیری آن به‌عنوان شاخصی به‌منظور سنجش اعتبار منابع را به قرون هجده و نوزده و به‌خصوص به دهه ۱۹۶۰ و با بنیان‌گذاری پایگاه استنادی علوم توسط گارفیلد در این دهه نسبت می‌دهند (حری، ۱۳۸۱، ص ۱۷۶).

حری (۱۳۶۲) بر این عقیده بودند که "در گذشته، امر استناد به‌گونه‌ای معمول بوده، ولی ضوابطی مدون که بتوان آنها را مبانی نظری چنین امری تلقی کرد نداشته است. تنها حوزه‌ای که این امر را به‌طور جدی مورد ملاحظه قرار داده علم‌الحدیث است، و این احتمالاً تنها حوزه کهن است که به سبب طبیعت موضوعش مسئله استناد را با دقت بررسی کرده و برای آن قواعد و شرایطی مقرر داشته است. در علم‌الحدیث که سابقه آن به قرون اولیه هجری می‌رسد، امر استناد یا اسناد از اهمیت خاصی برخوردار است و به سبب نقش حساسی که حدیث در انعکاس معصوم دارد، اسناد هر حدیث به زنجیره ناقلان (سلسله سند) عنصر اساسی تشخیص صحت و اعتبار احادیث شمرده می‌شود. در بررسی‌های استنادی^۱ که امروزه در مطالعه روابط مفهومی آثار مدنظر است، رابطه میان مدرک استناددهنده و مدرک استنادشده بررسی می‌شود، و هرگاه بکوشیم قواعدی را کشف کنیم که بر این رابطه حکم‌فرماست به تحلیل استنادی پرداخته‌ایم. بر این اساس، هر دو حوزه مطالعه استنادی و علم‌الحدیث رابطه میان متن (استناددهنده) و سند (مورد استناد) را بر اساس قواعدی مشخص بررسی و جستجو می‌کنند. حقیقی (۱۳۸۱) نیز اشاره می‌کند که امر استناد، به‌خصوص در حوزه علم‌الحدیث، از نظر ماهیت موضوعی آن، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و برای آن قواعد و شرایطی مشخص شده است. در این حوزه‌ها، اسناد در حکم ستون‌هایی هستند که متن احادیث بر آنها استوار شده است.

به‌علاوه، بهترین منبع برای شناخت دین مبین اسلام، پس از قرآن، روایات ائمه معصوم (ع) است و مسلمانان متفکر برای دانستن احکام و حدود الهی، ناگزیر به مراجعه به روایات هستند تا در پرتو آنها، دیدگاه اسلام را در مسائل مختلف زندگی دریابند (فتاحی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۳). در تاریخ حدیث شیعه واقعیتی به نام جعل حدیث وجود دارد و این مسئله از همان ابتدا حساسیت اصحاب ائمه (ع) را برمی‌انگیخت و سبب می‌شد اصحاب شیوه‌هایی را در پیش بگیرند که همین شیوه‌ها، در آینده اعتبارسنجی احادیث نقش دارد. اولین روش این بود که سعی کردند تا حد امکان معارف خود را مستقیماً از خود امام دریافت کنند چراکه امین‌تر از امام نداشتند. روش دوم اصحاب این بود که به سراغ کسانی که امام آنها را معرفی می‌کردند می‌رفتند. مثلاً امام صادق (ع) خطاب به مراجعان می‌فرمود: «علیک بالأسدی»^۲ یا «ما یمنعک من محمد بن مسلم»^۳ (کشی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۰۰). روش سوم اصحاب، این بود که روایاتی را که در درستی مضامین آنها تردید داشتند، بر امام عرضه می‌کردند. سؤال اساسی این است که چه انگیزه‌ای باعث این سه عملکرد اصحاب شد؟ به نظر می‌رسد اطمینان از دست‌یابی به آموزه‌های منتسب به معصوم، مهم‌ترین دلیل بوده است و تا به امروز در میان شیعه مهم‌ترین مسئله در حدیث، اطمینان به حدیث منتسب به معصوم بوده است؛ بنابراین، برای رسیدن به این اطمینان معیارهایی برای اعتبارسنجی حدیث در حوزه سند و متن وضع نموده‌اند (خاموشی، ۱۳۹۰).

1. Citations study

۲. بر تو باد به اسدی

۳. چه چیزی مانع است که به محمد بن مسلم رجوع کنی

در علم‌سنجی نیز، که روشی برای ارزیابی فعالیت‌های علمی است، شاخص‌های متعددی برای اندازه‌گیری تولید علم و سنجش آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاخص‌های متداول علم‌سنجی از محاسبه و شمارش چهار متغیر اصلی مؤلف، انتشار، ارجاع و استناد گرفته شده است. استناد، معتبرترین و رایج‌ترین شاخص علم‌سنجی است و مهم‌ترین شاخص‌های علم‌سنجی بر اساس آن به وجود آمده‌اند (عصاره و دیگران، ۱۳۸۸).

در علم‌الحديث بر اساس اصول فکری موجود در نواحی مختلف اسلامی و شیعی، مکاتب خاصی به وجود می‌آمده و اصولاً تعبیر «مکتب حدیثی» یا «مدرسه حدیثی» بیانگر نوعی دیدگاه و مشی فکری ویژه در مقبولیت و نقل احادیث است. از جمله مهم‌ترین این مکاتب حدیثی می‌توان به مکاتب حدیثی قم، ری، مدینه، بغداد، خراسان و کوفه اشاره نمود. مکتب حدیثی قم از جمله مؤثرترین، فعال‌ترین و مهم‌ترین حوزه‌های حدیثی شیعه است. این مکتب حدیثی، با توجه به کثرت محدثان آن و پیشینه دیرین عقاید شیعی در آن و ارتباط مستمر آن با وجود مقدس ائمه اطهار (ع) و همچنین روایان شیعی در حجاز، عراق و شهرهای ایران، جایگاه ویژه‌ای یافته است (جباری، ۱۳۷۹، ۱۱).

برای شناسایی منابع معتبر حدیثی لازم است که معیارهای اعتبارسنجی احادیث این مکتب، که جزء بااهمیت‌ترین حوزه‌های حدیثی شیعه است مشخص شود. با در دست داشتن این معیارها می‌توان آنها را با شاخص‌هایی مقایسه کرد که در علم‌سنجی برای اعتبارسنجی منابع موجود است و وجه اشتراک و افتراق و میزان نزدیکی آنها را بررسی کرد. شناخت وجوه اشتراک معیارهای تعیین اعتبار احادیث در علم‌الحديث و شاخص‌های سنجش اعتبار منابع در علم‌سنجی، نه تنها صحت کاربرد آنها در هر دو بستر را نشان خواهد داد؛ بلکه بر اعتبار و اهمیت هر یک از آنها خواهد افزود؛ به علاوه، وجوه افتراق که احتمالاً حاصل خواهند شد، می‌تواند به عنوان مقوله‌ای جدید و دارای پتانسیل لازم برای کاربرد در دیگر زمینه، مورد توجه و آزمون قرار گیرد.

بر این اساس، این پژوهش بر آن است تا ضمن شناسایی معیارهای اعتبارسنجی احادیث مکتب حدیثی قم، به عنوان یک مکتب حدیثی شیعه، این معیارها را از دیدگاه متخصصان علم‌الحديث و علم‌سنجی با شاخص‌های اعتبارسنجی در علم‌سنجی مقایسه کند و از این رهگذر نقاط اشتراک و افتراق این دو حوزه را شناسایی کند؛ به منظور انجام این مهم، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که مهم‌ترین معیارهای اعتبارسنجی احادیث در مکتب حدیثی قم کدام‌اند و میزان توافق کلی متخصصان علم‌سنجی و علم‌الحديث درباره همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی چقدر است؟

سؤال‌های پژوهش

۱. مهم‌ترین معیارهای اعتبارسنجی احادیث در مکتب حدیثی قم کدام‌اند؟
۲. تا چه حد متخصصان علم‌الحديث درباره همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی توافق دارند؟
۳. تا چه حد متخصصان علم‌سنجی درباره همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی توافق دارند؟

۱. لازم به ذکر است که در حوزه علم‌الحديث در تمام متون از کلمه معیار، و در حوزه علم‌سنجی از کلمه شاخص استفاده شده است. بنابراین در این پژوهش معیار و شاخص معنای یکسانی دارند، اما به منظور حفظ اصالت دو حوزه، هر جا از علم‌الحديث بحث شده است، کلمه معیار، و هر جا از علم‌سنجی بحثی شده از کلمه شاخص استفاده شده است.

۴. میزان توافق کلی متخصصان علم‌سنجی و علم‌الحديث درباره همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی چقدر است؟

چارچوب نظری

مکتب حدیثی قم و شاخص‌های اعتبارسنجی احادیث

حدیث در لغت به معنی کلام جدید و خبر می‌باشد. می‌توان استدلال کرد که به دلیل اینکه هر سخن و خبری، حاکی از مطلب جدید و تازه است، آن را حدیث نامیده‌اند. بنابراین، احکامی که از جانب شخص پیغمبر منتشر شده حدیث نام‌گذاری شده و در برابر قرآن، که به اعتقاد بیشتر اهل سنت کلام قدیم است قرار گرفته است؛ حدیث نوع خاصی از خبر بوده که به اعتبار مفادش، جدید و تازه است. از حدیث به اثر، سنت و روایت نیز تعبیر شده است. حدیث در اصطلاح، سخنی است که حاکی از قول یا تقریر یا فعل پیغمبر باشد (مدیر شانه‌چی، ۱۳۹۰، ۹).

«علم‌الحديث» علمی است که با آن، تقریرها، اقوال و افعال پیغمبر و امام شناخته می‌شود. معمولاً علم‌الحديث را به دو قسمت تقسیم کرده‌اند:

اول: علم روایت‌الحديث که در آن از کیفیت اتصال احادیث به معصوم از نظر احوال روات و کیفیت سند و غیره صحبت می‌شود و اصطلاحاً «علم اصول‌الحديث» نامیده می‌شود؛

دوم: «علم درایت‌الحديث» که از معانی و مفاهیم الفاظ واردشده در احادیث بحث می‌کند. امام (ع) فرمود: «حدیث تدری، خیر من الف تروی». یعنی «دانستن یک حدیث، بهتر از نقل هزار حدیث است» (مدیر شانه‌چی، ۱۳۹۲، ۱۹).

مفهوم استناد در علم‌الحديث و پیشینه آن در جهان اسلام.

اصطلاح استناد نزد محدثان و حدیث‌پژوهان، به معنای نسبت‌دادن حدیث به معصومین (ع) از طریق ذکر یک‌یک راویان آن است (عابدی، ۱۳۹۱، ۳۴). در جهان اسلام، پیشینه استناد از درون روایت روایده است. در دوران جاهلیت، راویانی بوده‌اند که اشعار شعرا را به خاطر می‌سپردند و بر مردم می‌خواندند. گاهی اوقات بعضی شاعران راوی شعر شاعران دیگر می‌شدند و علاوه بر نقل و حفظ شعر آنها از شیوه و سبک آنها نیز پیروی می‌کردند. می‌توان گفت که این شکل از روایت، جزء اولین حرکات برای به رسمیت شناخته‌شدن فرایند استناد بوده است (حری و شاه‌داغی، ۱۳۸۵، ۱۳).

در قرن اول هجری، پس از ظهور اسلام، شاخه جدیدی از علم به نام علم‌الحديث شکل گرفت. در علم‌الحديث استناد هر حدیث به سلسله ناقلان (زنجیره سند) عنصر اصلی تشخیص صحت و اعتبار حدیث حساب می‌شود. شهید ثانی، «سند» را چیزی که مورد استناد قرار گرفته یا سلسله ناقلان می‌داند و «متن» بنا به تعبیر ابن جماعه بیانی می‌باشد که راوی آخر بیان می‌کند. در علم‌الحديث، متنی که بر اساس نام اشخاص مورد استناد تدوین شود را مُسند می‌نامند. اصطلاح مُسند، در میان اهل حدیث چنین معنا می‌شود که در برابر منقطع و مرسل و غیره است؛ یعنی حدیثی که سند آن از راوی تا پیامبر (ص) -یا به تعبیر صحیح‌تر تا معصوم (ع)- پیوسته و متصل باشد؛ به بیانی دیگر، حدیثی است که در زنجیره استناد آن حلقه‌ای مفقود نباشد (حری، ۱۳۶۲، ۷۶).

از طرفی دیگر، با آغاز و شکوفایی تمدن اسلامی، فرایند تصنیف و تدوین کتاب گسترش یافت. از دیگر رده‌آوردهای اسلام در این دوران، حلقه‌های علم بود، که در آن دانشمندان به تدوین و تألیف و طالبان به تعلم و تحصیل مبادرت می‌نمودند. روش آموزشی در این حلقه‌های درس، بر اساس اخذ مستقیم علم از استاد و روایت‌مدار

بود. در واقع این نوع روایات که از آن به روایات علمی تعبیر شده است از حلقه‌های درس شروع و به فرایند استناد در متن کتاب ختم می‌شد. بدین‌گونه که بسیاری از مؤلفان در این دوران از شیوه اسناد در تألیفات خود پیروی کردند. اسناد به این معنی است که نویسنده آراء، اقوال و اخباری را که در کتاب خود می‌آورد به شیوخ، گویندگان و اساتید آنها نسبت دهد و راویان را برمی‌شمارد. این روش در تألیفات همه رشته‌های ادبیات و علوم اسلامی اعم از حدیث، تفسیر، ادب، لغت، تاریخ و غیره معمول بوده است (حری و شاه‌داغی، ۱۳۸۵، ۱۴).

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در داخل

از آنجایی که تاکنون پژوهشی به مقایسه معیارهای اعتبارسنجی احادیث با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی نپرداخته است، و پیشینه‌ای با این موضوع وجود ندارد؛ در این بخش به‌طور مجزا، ابتدا به پژوهش‌هایی که به موضوع معیارهای اعتبارسنجی احادیث پرداخته‌اند؛ و سپس، به پژوهش‌هایی که در زمینه تحلیل استنادی و کاربرد آن در حوزه علوم قرآن و حدیث به انجام رسیده‌اند، آورده شده‌اند.

الف. مطالعات مربوط به معیارهای اعتبارسنجی احادیث

مسئله پرداختن به اعتبارسنجی احادیث و بررسی معیارهای آن سابقه نسبتاً زیادی دارد، یکی از مطالعات انجام‌شده در این موضوع، پژوهش نفیسی (۱۳۸۰) است که هشت معیار اصلی در ارزیابی متن حدیث را بیان نمود که عبارت‌اند از تعارض با قرآن، تعارض با عقل، تعارض با سنت، تعارض با علم، تعارض با شأن معصوم، تعارض با تاریخ، تعارض با واقعیت و جانب‌داری کلامی، فقهی و سیاسی. وی در این پژوهش، بررسی متن حدیث را مهم‌ترین روش ارزیابی حدیث معرفی نمود. در پژوهشی دیگر بینا‌نمین (۱۳۹۲) معیارهای نقد متون احادیث عرفانی را بررسی کرد که شامل عدم مخالفت با ظواهر و نصوص آیات قرآن، تبیین دلالت متن حدیث عرفانی با آیات قرآن کریم، عدم تضاد با ادله عقلی و سایر روایات معتبر و صحیح معصومین (ع)، بهره‌گیری از استدلال‌های برهانی و منطقی و دقت در دقائق بلاغی، برخورداری از شهود باطنی و طهارت نفسانی می‌شد.

مطالعه مرادی‌پر (۱۳۹۴) جایگاه عقل و نقش آن در نقد حدیث را از دیدگاه فریقین بررسی کرد. نتایج نشان داد که گروه‌های زیادی از مسلمانان در مقدار بهره‌بری از قوه عقل (به‌عنوان معیاری در نقد احادیث)، رویکرد متفاوتی داشتند؛ در تشیع، هم عقل‌گرایان و هم نص‌گرایان (به‌جز بعضی افراطیان اندک) به توانایی عقل فطری اذعان داشته اما نص‌گرایان، بیشتر عقل را به‌عنوان یکی از ادله شرعی معتبر نمی‌دانند و در نقد احادیث هم کمتر از عقل‌گرایان از این معیار استفاده می‌کنند.

دیمه‌کار و باقری (۱۳۹۵) نیز پژوهشی را با روش توصیفی-تحلیلی در آثار اصولی و فقهی شیخ انصاری که از بزرگ‌ترین فقیهان اصولی امامیه و یکی از چهره‌های فقهی و علمی قرون متأخر به‌شمار می‌آید انجام دادند و به دنبال ارائه روش‌شناسی اندیشه نظام‌مند شیخ انصاری در روش‌های نقد سند حدیث در فقه روایی-استدلالی بودند. بررسی‌ها نشان داد که توجه به ویژگی شخصیتی راویان (همچون اصحاب اجماع، مروی عنه احمد بن محمد بن عیسی، مشایخ الثقات، بنی فضال)، بررسی اتصال سند، توجه به اضمار حدیث، توجه به اشتراک راویان، اشاره به مجهول‌بودن راوی، انجبار ضعف سند از مهم‌ترین روش‌های شیخ انصاری در نقد سند حدیث بودند.

اخیراً کرمی‌جورابی (۱۳۹۷) دیدگاه علامه طباطبایی درباره روایات با معیار عرضه بر قرآن را بررسی نمود. نتایج

نشان داد علامه طباطبایی در نقد متنی روایات تفسیری بر این معیارها تکیه کرد: عدم مخالفت با قرآن، عدم مخالفت با عقل، عدم مخالفت با سنت، عدم مخالفت با قطعیات علمی، عدم مخالفت با قطعیات تاریخی، عدم مخالفت با ضروریات دین و مذهب، عدم اضطراب متن^۱. معیار «عدم مخالفت با قرآن» که به نوبه خود مطابق با سفارش معصومان (ع) در «عرضهی روایات بر قرآن» به عنوان سنجهای اصیل در اعتبارسنجی احادیث است یکی از این معیارها بود.

همچنین آشناور و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با روش کتابخانه‌ای و با هدف اعتبارسنجی ملاک عدم تضاد حدیث با دانش‌های تجربی انجام دادند. نتایج حاصل نشان داد که اولاً با توجه به محتوای تعدادی از احادیث، در فهم و نقد احادیث باید از معیار و ملاک دانش‌های تجربی بهره برد و در این حیطه تنها می‌توان به قطعیات دانش‌های تجربی تکیه کرد و نه نظریه‌ها و فرضیات؛ چراکه امکان دارد پس از مدتی ابطال گردند. ثانیاً در برخی از تعارضات احادیث با دانش‌های تجربی، با توجه به برخورداری معصومین (ع) از علم لدنی، نمی‌توان هر حدیثی را تنها به دلیل مخالفت با فلان نظریه مشهور کنار گذاشت. ثالثاً احادیث و دانش‌های تجربی، تأثیر متقابلی نسبت به یکدیگر داشتند به طوری که دانش‌های تجربی موجب فهم بهتر و تفسیر روشن‌تر احادیث شده و مفاهیم علمی برخی روایات نیز در گسترش دامنه پژوهش‌های تجربی نقش به‌سزایی داشتند.

ب. پژوهش‌های مربوط به موضوع تحلیل استنادی و کاربرد آن در دستیابی به نتایج علمی در حوزه علوم قرآن و حدیث

قیاسی و همکاران (۱۳۸۴) با استفاده از شیوه کتاب‌سنجی و با کمک روش توصیفی-تحلیلی مآخذ ۱۵۹ پایان‌نامه فارغ‌التحصیلان رشته فقه و حقوق اسلامی در کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل را بررسی نمودند. نتایج بیانگر آن بود که موضوع استنادات هم‌گرایش آنها را به موضوعات فقهی و اسلامی؛ و در میان این نوع موضوعات، موضوع فقه و اصول بیشترین گرایش را نشان داد.

در پژوهشی دیگر کریمی و سلیمانی (۱۳۸۷) با شیوه تحلیل استنادی، مقالات منتشره در فصلنامه علوم حدیث را مورد بررسی قرار دادند و میانگین استنادات، مقالات با بیشترین میزان استناد، نویسندگان پرتولید و مترجمان و محققان این حوزه را معرفی کردند.

نتایج پژوهش خاصه، احمدی‌نژاد و حجازی (۱۳۹۱) پیرامون شناخت پژوهش‌های علوم قرآنی در عرصه بین‌الملل نشان داد که میزان تولیدات علمی جهان در پایگاه استنادی علوم در حوزه علوم قرآنی ۲۹۲ بود که دانشگاه میشیگان با تولید ۸ مدرک در رتبه اول قرار داشت. در پژوهش دیگری خاصه و حجازی (۱۳۹۴) همین پژوهش را گسترش داده و تا سال ۲۰۱۵ میزان تولیدات علمی جهان در حوزه قرآنی بررسی کردند. نتایج نشان داد از ۴۶۴ مدرک تولیدشده، بیشترین تولیدات مربوط به دانشگاه کینگ سعود بود و کشورهای آمریکا، مالزی و انگلستان بیشترین فراوانی مقالات را داشتند.

موسوی چلک، سهیلی و خاصه (۱۳۹۶) با بررسی رابطه بین نفوذ اجتماعی و بهره‌وری و کارایی پژوهشگران حوزه علوم قرآن و حدیث ایران نشان دادند که در این حوزه میانگین دریافت استناد به ازای هر مقاله ۰.۱ است که نشان می‌دهد پژوهشگران این حوزه چندان به مقاله‌های یکدیگر ارجاع نمی‌دهند.

و در نهایت نتایج پژوهش قاضی‌زاده، سهیلی و خاصه (۱۳۹۷) نشان داد که کلیدواژه‌های «قرآن»، «نهج‌البلاغه» و

۱. به این معنی که در متن حدیث اختلاف و دوگانگی دیده نشود، به گونه‌ای که راوی، حدیث را به دو یا چند شکل و با معانی متفاوت نقل نکرده باشد.

«امام علی (ع)» پرتکرارترین کلیدواژه‌ها در پژوهش‌های حوزه قرآن و حدیث بودند؛ همچنین، زوج «نهج البلاغه امام علی (ع)» پرتکرارترین زوج هم‌واژگانی در پژوهش‌های این حوزه بوده است. یافته‌های حاصل از تحلیل خوشه‌ای نشان دادند که در بازه زمانی تحت مطالعه، مفاهیم حوزه قرآن و حدیث ایران از یازده خوشه تشکیل شده‌اند. در انتها، بر اساس نتایج مربوط به نمودار راهبردی، خوشه‌های موضوعی بلوغ‌یافته و خوش توسعه در مطالعات قرآن و حدیث شناسایی شدند.

پیشینه پژوهش در خارج

داد و شفیق^۱ (۲۰۱۴) معتقدند که یک حدیث زمانی می‌تواند قابل اعتماد باشد که سند آن بدون قطع زنجیره به پیامبر اسلام (ص) متصل شود. بر این اساس پژوهشگران در مقاله خود اصالت مرسل و نظر دانشمندان مسلمان در این مورد را مورد بحث قرار دادند.

در پژوهشی دیگر در ارتباط با اعتبارسنجی احادیث، باراکا و دلول^۲ (۲۰۱۴) یک هستی‌شناسی دامنه خاص (هستی‌شناسی اسناد حدیث) طراحی کردند که فرایند اعتبارسنجی احادیث را حمایت می‌کند. آنها این هستی‌شناسی را از طریق پرسش‌های مرتبط با احادیث مورد ارزیابی قرار دادند.

حسین، ابراهیم و سعید^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی وضعیت تولیدات در زمینه مطالعات اسلامی در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ با استفاده از شاخص‌های کتاب‌شناختی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که سهم عمده مربوط به نویسندگان مرد است. کتاب‌ها به میزان ۶۷.۳۷ درصد بیشترین استنادات را شامل می‌شدند. طول عمده مقالات ۱-۵ صفحه و در زیر ۲۰-۳۰ صفحه قرار دارند. بیشتر مقالات تک‌نویسنده هستند و سهم زنان در نگارش حداقل است.

ایوب^۴ (۲۰۱۸) به بررسی نقد متن و نقش آن در ارزیابی اعتبار احادیث می‌پردازد و این مسئله را مورد بررسی قرار می‌دهد که آیا در شیوه‌های سنتی ارزیابی علم‌الحدیث نقد متنی وجود داشته است یا خیر. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که اسناد و نقد متن نقش بسیار مهمی در اعتبارسنجی احادیث از همان دوران قدیم داشته است.

همچنین صادقیان^۵ (۲۰۱۸) پژوهشی با هدف تجزیه و تحلیل و نقشه‌برداری از تولیدات رشته علوم قرآنی در سطح بین‌المللی در پایگاه داده وب آو ساینس طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ با استفاده از نرم‌افزار VOSviewer انجام دادند و طی آن نشان دادند که در حوزه مطالعات قرآنی ایالات متحده، ترکیه، مالزی و ایران با ۳۱۳، ۱۴۵، ۱۲۹ و ۱۱۴ مقاله، پربارترین کشورها بودند. با بررسی مؤسسات آموزش عالی، دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه مالایا و دانشگاه تهران با تولید ۳۹، ۳۸، ۳۶ و ۱۴ مقاله درباره قرآن، به ترتیب بیشترین تولید را داشتند.

در پژوهشی دیگر سید، هلاوی، صادقی و سقیب^۶ (۲۰۱۹) به بررسی استناد به منابع در ادبیات علم‌الحدیث پرداختند و با بررسی استناد به منابع موجود در اسناد مخزن حدیث دیجیتال گاوامی ال-کلیم^۷ یک روش جدید محاسباتی و آماری برای تشخیص خودکار خطاها و تصحیح آنها معرفی کردند.

1. Dad & Shafigh
2. Baraka & Dalloul
3. Hussain.Ibrahim & Saeed
4. Ayoub
5. Sadeghian
6. Syed, Halawi, Sadeghi, Saquib
7. Gawāmi' al-Kalim digital hadith repository

جمع‌بندی از مرور پیشینه

در زمینه معیارهای اعتبارسنجی احادیث، پژوهش‌هایی انجام شده است که اکثر آنها با رویکرد کیفی و به روش تحلیلی صورت گرفته است. در پژوهش‌هایی که به بررسی نقد محتوایی حدیث پرداخته‌اند، نتایج نشان می‌دهد که متن حدیث، مهم‌ترین روش ارزیابی حدیث است و نقد محتوایی با توجه به سند راهگشا و نقد سندی در مرحله دوم قرار می‌گیرد. در زمینه تحلیل استنادی نیز پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه علوم قرآن و حدیث اغلب به شیوه تحلیل استنادی بوده است که در این پژوهش‌ها به جنبه‌هایی از قبیل میانگین تعداد استنادها، توزیع استنادها از نظر زبان، پوشش زمانی استنادها، محل نشر، وضعیت موضوعی استنادها، توزیع مؤلفان بر اساس جنسیت، پراستنادترین نویسندگان، پرکارترین نویسندگان و غیره پرداخته شده است. نگاهی به پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آنچه تاکنون توسط متخصصان و صاحب‌نظران در باب نزدیکی علم‌الحدیث و معیارهای اعتبارسنجی احادیث و جز آن با علم‌سنجی، تحلیل استنادی و شاخص‌های سنجش اعتبار منابع ذکر شده و یا استدلال شده است محدود به مباحثی نظری است و هیچ‌گاه مورد تفحص و مطالعه عملی قرار نگرفته‌اند. این پژوهش را می‌توان نخستین پژوهش عملی در این راستا دانست و انتظار می‌رود زمینه‌ای برای انجام مطالعات بیشتر و دقیق‌تر در این رابطه را فراهم سازد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ نوع، در ردیف پژوهش‌های بنیادی قرار می‌گیرد که با استفاده از روش‌های پیمایشی و تحلیل محتوای کیفی به انجام رسیده است. برای به‌کارگیری تحلیل محتوای کیفی سه رویکرد سنتی، هدایت‌شده و جامع وجود دارد (فائدی و گلشنی، ۱۳۹۵، ۷۲) که در پژوهش حاضر، از رویکرد سنتی استفاده شد. در رابطه با مراحل تحلیل محتوای کیفی نیز، در این پژوهش، مطابق دیدگاه الو و کینگاس (۲۰۰۸) گام‌های تحلیل محتوای کیفی به‌صورت زیر طی شد:

۱. کدگذاری باز: کدگذاری باز به این معنی است که یادداشت‌ها و سرفصل‌ها در متن به هنگام خواندن آنها، نوشته و سپس، مطالعه مجدد شد و عناوین ضروری و حیاتی در حاشیه یادداشت شد؛
 ۲. فهرست‌کردن کدها: در این گام، عناوین یادداشت شده در حاشیه متون به صفحه مجزایی انتقال یافت تا پس‌از آن، جهت استخراج دسته‌ها روی آنها تحلیل صورت پذیرد؛
 ۳. گروه‌بندی کردن: پس از مرحله اول و دوم، در این مرحله، کدهای باز با یکدیگر تحت عناوین کلی‌تر گروه‌بندی شد. هدف از مرحله گروه‌بندی، کاهش تعداد کدها با ادغام کدهای مشابه در کدهای کلی‌تر بود؛
 ۴. دسته‌بندی کردن: در این مرحله، گروه‌های مشابه با یکدیگر ادغام شد و دسته‌ها به‌وجود آمد؛
 ۵. انتزاع: زیردسته‌های با رویکردهای مشابه، جهت تشکیل دسته‌ها و دسته‌ها به‌منظور تشکیل دسته اصلی ادغام شد.
- لازم به ذکر است که مرحله تحلیل محتوای کیفی، زیر نظر یکی از متخصصان علم‌الحدیث انجام گرفت. همچنین کلیه دسته‌های به‌دست‌آمده از این مرحله به تأیید یک نفر متخصص حوزه علم‌الحدیث رسید و نظرات ایشان اعمال گردید.

جامعه پژوهش حاضر را دو گروه تشکیل می‌دهد که گروه اول شامل منابعی است که در مکتب حدیثی قم در زمینه اعتبار احادیث نگارش شده است؛ و گروه دوم، متخصصان علم‌سنجی و علم‌الحدیث هستند. در ارتباط با گروه اول، با وجود کثرت آثار حدیثی محدثان قم، متأسفانه اکثر این آثار ارزشمند در طول زمان مفقود شده‌اند. آثاری که

اکنون در دسترس هستند در کتابی با عنوان "مکتب حدیثی قم: شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری" از محمدرضا جباری ذکر شده‌اند (جباری، ۱۳۸۴). دلایل انتخاب مکتب حدیثی قم به شرح زیر است: با توجه به فراوانی مکاتب، بررسی همه مکاتب امکان‌پذیر نبود؛

در نقد روایات دو نوع رویکرد وجود دارد؛ نقد سندی که ناظر به ظاهر و سلسله اسناد است و نقد محتوایی که به متن و معنای روایات ارتباط دارد. ارزیابی سندی روایات در جای خود مهم و ضروری است، اما مهم‌تر از آن نقد محتوایی روایات است. تأکید مکتب حدیثی قم بر نقد محتوایی بوده است؛ در گزارش‌های بسیاری درباره جایگاه نقد محتوایی صحبت شده است و نقد محتوایی در اعتبارسنجی حدیث، روشی برای حصول اطمینان بوده است (حیدری، ۱۳۹۷)؛

مکتب حدیثی قم، یک مکتب حدیثی شیعه است و منابع این مکتب بیشتر در دسترس هستند (جباری، ۱۳۸۴)؛ همچنین، اساتید رشته علم‌الحديث، که مقرر بود برای قضاوت در مورد احادیث نظر بدهند، بر احادیث این مکتب بیشتر تسلط داشتند.

از آنجاکه تکیه مکتب حدیثی قم روی نقد محتوایی است برای استخراج معیارها در نقد محتوایی دو کار انجام شد: (۱) مطالعه منابع رجالی: علم رجال درباره حالات راویان حدیث و صفات آنان بحث می‌کند؛ بدین‌جهت که آن صفات، در رد و پذیرش خبر آنها تأثیر دارد (الذریعه، ج ۸، ص ۸۰). روش کار به این شیوه بود که با استفاده از نرم‌افزار درایه النور در منابع رجالی، افرادی که از مکتب حدیثی قم بودند استخراج شد و دیدگاه‌های آنان مطالعه شد و (۲) بررسی رفتار عملی محدث شاخص قم: در این مرحله با مطالعه آثار شیخ صدوق، معیارهایی که این محدث برای اعتبارسنجی احادیث داشتند شناسایی شد. در این پژوهش به صورت هدفمند کلیه روایان مکتب حدیثی قم با استفاده از نرم‌افزار درایه‌النور انتخاب شدند. آثار شیخ صدوق نیز به‌عنوان محدثی شاخص از مکتب حدیثی قم انتخاب شد. انتخاب شیخ صدوق با نظرسنجی از متخصصان علم‌الحديث انجام شد و دلایل این انتخاب به شرح زیر بود:

وی بزرگ‌ترین محدث و فقیه مکتب حدیثی قم است و در مقایسه با دیگر محدثان حوزه قم دارای بیشترین آثار و تصنیف در زمینه دانش‌های مختلف دینی است؛

امروزه بیشترین تعداد آثار به‌جای‌مانده حدیثی از حوزه قم به آثار شیخ صدوق مربوط می‌شود.

گروه دوم جامعه پژوهش اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی کشور با گرایش مطالعاتی-پژوهشی علم‌سنجی و اعضای هیئت علمی رشته الهیات و معارف اسلامی با گرایش علوم قرآن و حدیث شاغل در دانشگاه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سراسر کشور بودند. با توجه به اینکه در این پژوهش برای تعیین نقاط اشتراک و افتراق میان معیارهای اعتبارسنجی احادیث و شاخص‌های اعتبارسنجی در علم‌سنجی، از روش پیشنهادی لاوشی (۱۹۷۵) استفاده شد و در روش مذکور انتخاب متخصصان ارزیابی‌کننده به صورت هدفمند صورت می‌گیرد، از اعضای هیئت علمی به‌عنوان افراد صاحب نظر استفاده شد؛ به این منظور، با مراجعه به وب‌سایت کلیه دانشگاه‌ها، پس از بررسی اطلاعات و رزومه اعضای هیئت علمی، اساتیدی که پژوهش‌هایی مرتبط انجام داده بودند و یا گرایش مطالعاتی متناظر داشتند انتخاب شدند. علاوه بر این، به‌منظور اطمینان و تکمیل متخصصان با استفاده از "کتابشناسی علم‌سنجی" (جمالی مهموئی، ۱۳۹۱) اساتید دیگری که در زمینه‌های مرتبط با علم‌سنجی پژوهش انجام داده بودند به فهرست اولیه اضافه شد؛ درنهایت، با اقدامات صورت‌گرفته تعداد ۱۴۰ نفر عضو هیئت علمی متخصص در دو حوزه شناسایی و به‌عنوان جامعه پژوهش انتخاب شدند. بر اساس روش لاوشی (۱۹۷۵) متخصصان ارزیابی‌کننده می‌توانند از

۵ تا ۴۰ نفر متغیر باشند؛ در نتیجه، در این پژوهش به منظور اطمینان از صحت و دقت نتایج، و از طرفی امکان مقایسه آماری میان دو گروه متخصص، با پیگیری‌های انجام شده، گردآوری داده، تا زمانی که ۳۰ نفر متخصص علم‌سنجی و ۳۰ نفر متخصص علم‌الحدیث به سؤالات پاسخ دادند ادامه یافت.

در روش پیشنهادی لاوشی (۱۹۷۵)، که اعتبار آن در سالیان اخیر مورد تأیید سایر پژوهشگران (مانند آیر و اسکالی^۱، ۲۰۱۴؛ گیلبرت و پریون^۲، ۲۰۱۶) قرار گرفته است، گویه‌های سیاهه واری بر اساس مقیاس سه‌وجهی "ضروری"^۳، "مفید اما غیرضروری"^۴ و "غیرضروری"^۵ مقیاس‌بندی می‌شود. با توجه به دشواری درک این واژگان، کدگذاری بر مبنای نظر لیدی و اومرد^۶ (۲۰۰۱) با عبارت‌های "موافقم"، "نظری ندارم" و "موافق نیستم" جایگزین شد. سیاهه واری در دو بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی (شامل نام دانشگاه، دانشکده، گروه آموزشی، مرتبه علمی و سابقه خدمت) و گویه‌های معیارهای اعتبارسنجی تنظیم شد. این معیارها به شیوه زیر به دست آمد:

گروه اول: تعداد ۱۲ معیار که از مکتب حدیثی قم استخراج شد؛ گروه دوم: تعداد ۶ معیار که در اعتبارسنجی احادیث به صورت عام وجود داشتند. این معیارها از آثار حری (۱۳۶۲)، عابدی (۱۳۹۱)، نصیری (۱۳۸۶) و شانه‌چی (۱۳۶۳) استخراج شد.

معیارهای به دست آمده با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی تطبیق داده شد. از گروه اول برای ۵ معیار و از گروه دوم برای ۶ معیار مابه‌ازایی در علم‌سنجی ردیابی شد. در نهایت، ۱۱ گویه به دست آمد. سپس برای هر گویه گزینه‌های "موافقم"، "نظری ندارم" و "موافق نیستم" در نظر گرفته شد. سیاهه واری از طریق گوگل‌داک طراحی و برای کل جامعه (۱۴۰ نفر) از طریق ایمیل ارسال شد؛ و همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، تا زمانی که ۳۰ نفر از هر یک از دو گروه به آن پاسخ دادند عملیات گردآوری داده‌ها ادامه یافت. جهت سنجش روایی سیاهه واری، این سیاهه برای ۶ نفر از متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی و علوم قرآن و حدیث ارسال و نظرات و پیشنهادها آنها منظور گردید. در مرحله بعد، گویه‌های تهیه شده برای قضاوت در اختیار اعضای هر یک گروه قرار گرفت. اعضای این گروه از متخصصانی که در حوزه گویه‌ها تسلط موضوعی داشتند انتخاب شدند تا امکان قضاوت دقیق و صحیح به دست آید. در روش لاوشی (۱۹۷۵) توافق میان اعضای گروه ارزیابی با استفاده از ضریب اعتبار محتوای^۷ گویه‌ها انجام می‌شود که فرمول آن به صورت زیر است:

$$CVR = \frac{n_e - n/2}{n/2}$$

در این فرمول n_e تعداد اعضای گروه است که گویه را تأیید یا عبارت موافقم را انتخاب کرده‌اند. همچنین $n/2$ تعداد کل اعضای گروه بخش بر عدد دو است. زمانی که کمتر از نیمی از افراد گزینه موافقم را انتخاب کنند، ضریب اعتبار محتوا منفی می‌شود؛ هنگامی که نیمی از افراد گزینه موافقم و نیمی دیگر سایر گزینه‌ها را انتخاب کنند ضریب اعتبار محتوا صفر می‌شود؛ زمانی که همه افراد گزینه موافقم را انتخاب کنند ضریب اعتبار محتوا برابر با یک می‌شود؛ و

1. Eyre and Scally
2. Gilbert and Prion
3. Essential
4. Useful not essential
5. Not Essential
6. Leedy and Ormrod
7. Content Validity Ratio(CVR)

درنهایت، هنگامی که بیش از نیمی از افراد، نه همه آنها، گزینه موافقم را انتخاب کنند ضریب اعتبار محتوا بین صفر تا ۰.۹۹ می‌شود.

به‌منظور سنجش پایایی سیاهه و ارسی تهیه‌شده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که با توجه به مقدار به‌دست‌آمده (۰.۸۴۸) سیاهه از پایایی لازم برخوردار است.

یافته‌های پژوهش

پاسخ به سؤال اول پژوهش: مهم‌ترین معیارهای اعتبارسنجی در مکتب حدیثی قم کدام است؟

از آنجاکه دامنه کار بسیار وسیع بود و استخراج همه معیارها در عمل امکان‌پذیر نبود، از دو طریق تلاش شد تا آنجا که امکان داشت شاخص‌ها و معیارهای نقد و سنجش حدیث در مکتب حدیثی قم استخراج شود. در مرحله اول در ذیل ترجمه‌هایی که منابع روایی چون رجال کشی، نجاشی، شیخ طوسی و آیت‌الله خویی ارائه داده بودند، روایان و محدثان قمی استخراج و همه ترجمه‌های آنها بررسی شد. چنانچه از رفتار آنها و بیاناتشان می‌شد معیار یا شاخصی استخراج کرد، به آن عمل می‌شد. در مرحله دوم، آنچه بسیار مهم بود رفتار عملی محدثان شاخص مکتب قم با احادیث در کتاب‌های خود بود. چون دامنه کار بسیار وسیع و افراد زیاد بودند، شیخ صدوق به‌عنوان نماینده مکتب قم که صاحب بیشترین آثار حدیثی است مورد مطالعه قرار گرفت و رفتار عملی وی در برخورد با احادیث محور کار قرار گرفت. برای به دست آوردن رفتار عملی شیخ صدوق آثار وی مطالعه و مواردی که حاکی از معیار او در اعتبارسنجی روایات بود استخراج گردید. در مرحله بعد کلیه موارد استخراج‌شده به تأیید متخصصان علم‌الحديث رسید. درنهایت از مجموع دو روش مذکور معیارهای زیر به دست آمد:

۱. اعتبارسنجی به‌وسیله قیاس حدیث با سایر اعتبارات و مستندات

یکی از روش‌های مهم و پرکاربرد محدثین قم، مقایسه متن با موارد معتبری چون قرآن، سایر احادیث مستند و حتی استنادات تاریخی و شواهد اینچنینی است. محدثین قم، حدیث را با این اعتبارات مقارن می‌کردند تا ببینند آیا حدیث روایت‌شده با این استنادات همخوانی دارد و یا اینکه در تضاد و تعارض است. مهم‌ترین مواردی که مورد قیاس با حدیث در راستای اعتبارسنجی آن به‌کار گرفته می‌شد عبارت است از:

۱-۱. قرآن

شیخ صدوق چون دیگر عالمان و دانشمندان حدیثی مسلمان، شرط قبول روایات را موافقت با کتاب خود و عدم اختلاف با هم و با قرآن می‌داند. شیخ صدوق به بررسی متن توجه کرده و در برخی کتب خود مرتباً آن را یادآوری نموده است. در کتاب الاعتقادات در باب اول پیرامون روایات می‌نویسد (و کل خبر یخالف ما ذکر فی التوحید فهو موضوع مخترع و کل حدیث لایوافق کتاب... فهو باطل و إن وجد فی کتب علمائنا فهو مدلس) (صدوق، الاعتقادات، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۲).

این کلام شیخ صدوق اشاره به روایات عرض دارد که از مهم‌ترین راهکارهای تأیید یا رد متن حدیث است. روایات عرضه حدیث بر آیات قرآن بسیار زیاد در منابع فریقین آمده است (کلینی، الکافی، ۱۳۸۹، ۶۹۰۱) شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات ابتدا آیات قرآن را می‌آورد و بعد از هر آیه روایات موافق آن را ذکر می‌کند. این عمل نشان از اهمیت این معیار در نزد شیخ صدوق دارد. به‌علاوه، شیخ صدوق از آیات قرآن کریم در موارد زیادی برای رسیدن به فهم درست از احادیث استفاده نموده و در موارد متعددی، آیات قرآن را معیار فهم احادیث شناسانده است. بنابراین

یکی از معیارهای پذیرش حدیث در ارزیابی متنی، توافق آن با «کتاب الله» می‌باشد. بدین ترتیب احادیث متعارض با قرآن غیرقابل اتباع است.

۲-۱. سنت

یکی دیگر از معیارهای ارزیابی متن حدیث، عرضه آن بر احادیث قابل اعتماد دیگر یا مجموعه‌ای از روایات قابل اعتماد است که در همان موضوع خاص وارد شده باشند. چنان‌که در معیار پیشین نیز دیدیم، عرضه‌ی حدیث به قرآن و سنت توأماً ذکر شده است.

امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید: ما از خداوند و فرستاده‌اش (ص) حدیث می‌گوییم، از فلان و فلان نمی‌گوییم تا سخنان ما متناقض شود. قطعاً کلام آخرین ما همانند سخن اولین ما است و سخن اولین ما مؤید سخن آخرین ماست. پس اگر فردی آمد که جز این بر شما روایت نمود، کلامش را به خود وی بازگردانید (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴۹، ۲).

۳-۱. سیره معصومان

یکی از معیارهای نقلی در نقد و ارزیابی متن حدیث، مقایسه و سنجش حدیث با سیره و روش زندگی معصومین (ع) است. مثلاً اگر در مطالعه سیره زندگی معصومین (ع)، در مورد نحوه برخورد آنها با مخالفانشان به قاعده‌ای رسیدیم، می‌توانیم آن را به‌عنوان یک ملاک در ارزیابی احادیث به کار ببریم و اگر در لابه‌لای متن حدیث عبارتی باشد که با آن قاعده کلی سیره معصومین (ع) در تعارض است، می‌توان آن را مردود اعلام کرد.

۴-۱. مسلمات علمی

یکی از ملاک‌های نقد حدیث عرضه آن به مسلمات و یافته‌های قطعی علوم تجربی است. از آنجاکه علوم تجربی در صورت قطعیت یافتن، بخشی از دفتر تکوین الهی و آفرینش او را برای ما بازگو می‌کنند، لذا تعالیم تشریحی و سنت معصومین (ع) نمی‌تواند با دستاوردهای قطعی علوم در تعارض باشد. مثلاً در روایتی آمده است که: «مسواک زدن، فصاحت انسان را می‌افزاید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳۵، ۷۶). مسلم است که هیچ رابطه علمی بین مسواک زدن و فصاحت در بیان وجود ندارد و چنین سخنی نمی‌تواند حدیث تلقی شود.

۵-۱. قواعد زبانی و بلاغت عربی

هرگاه در الفاظ حدیث غلط‌هایی از لحاظ قواعد عربی مشاهده شود یا رکابتی در ناحیه معنی وجود داشته باشد، نمی‌توان آن حدیث را پذیرفت؛ زیرا از پیامبر (ص) که فصیح‌ترین عرب است و همچنین از امامان شیعه که سرآمد فصحای عرب می‌باشند، جمله‌ای غلط و یا دارای معنی زننده صادر نمی‌شود (شانه‌چی، ۱۳۶۳، ۱۲۴). بنابراین هرگاه راوی تصریح کند که به الفاظ صادره از معصوم (ع) نقل نموده و معذک غلط‌هایی در ناحیه لفظ وجود داشته باشد، در این صورت نمی‌توان به صحت صدور آن حدیث از یکی از معصومین (ع) اطمینان کرد.

۶-۱. مخالفت متن حدیث با تاریخ معتبر

یکی از معیارهای مهم در نقد مباحث حدیثی که حاوی سندهای تاریخی می‌باشند، عرضه این متون بر اسناد معتبر تاریخی است. آگاهی از متون و منابع رجالی معتبر که حاوی تاریخ وفات رجال احادیث هستند و از آن می‌توان طبقات رجال را مشخص نمود نیز در نقد متون احادیث و تعیین قطع و ارسال در اسانید روایات، حائز اهمیت زیادی است.

بعضی فقها فتوای حضرت علی (ع) را پذیرفته‌اند که فتوای ایشان برخلاف فتوای خلیفه اول و دوم می‌باشد؛ همانند نوح بن دراج که در این مورد با علی بن ابی طالب موافق است. و مطابق با همین نظر فتوا داده است و شما وی را به مقام قاضی کوفه و بصره منصوب نموده و مطابق با همین حکم داوری می‌نمایید. هارون دستور داد وی و مخالفان او از قبیل ابراهیم مدنی، سفیان ثوری و فضیل بن عیاض را حاضر کنند و آنها همگی شهادت دادند که حکم یادشده نظر حضرت علی (ع) در این مورد است. مسئله قابل توجه در گزارش روایی ذکرشده، کلمه سفیان ثوری است که به نظر می‌آید لفظ ثوری از اضافات کپی برداران باشد و در اصل سند نبوده و از طرف خود اضافه نموده‌اند چون سفیان در سال ۱۶۱ ق از دنیا رفته و خلافت هارون ۱۷۰ ق آغاز شده است و احضار حضرت موسی بن جعفر (ع) ۱۸۶ ق بوده است. پس مراد از سفیان، سفیان بن غینه می‌باشد که در آن هنگام زنده بوده است (صدوق، عیون اخبارالرضا، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۶۳).

۱-۷. اصول اعتقادی

یکی از ملاک‌های پذیرش صحت حدیث این است که با مسلمات اصول اعتقادی سازگار باشد وگرنه قابل پذیرش نخواهد بود. سید مرتضی در این مورد و همچنین در خصوص ضرورت نقد حدیث چنین می‌گوید: «قطعاً احادیثی که در کتاب‌های شیعه و دیگر مذاهب اسلامی نقل شده، متضمن انواع اشتباه‌ها و اموری است که ابطال آن یقینی است. همانند امور محال و مواردی که دلیل قطعی بر فساد آن داریم مانند رؤیت ذات باری تعالی و جبر و قول به وجود صفات قدیمه برای پروردگار و امثال آن از مباحثی است که ما را ناگزیر به نقد احادیث می‌کند» (شانه‌چی، ۱۳۶۳، ۹۳).

۲. صحت سند، معیار قاطع ارزیابی احادیث صحیح‌الاسناد وارد در یک موضوع

یکی از معیارهای برجسته شیخ صدوق صحت سند در خبرهای واحد است. در روایتی آمده است از امام صادق (ع) پرسیدند ذبیح که بود؟ فرمود اسماعیل است، به دلیل اینکه خداوند ابتدا داستان او را در کتاب خود ذکر نمود و سپس گفته است: «و ما ابراهیم را به وجود اسحاق پیامبری از صالحان بشارت دادیم» صافات/۱۱۲ (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳، ق، ۲، ۲۳۰).

شیخ صدوق در مورد روایات موجود در این حوزه می‌نویسد: روایات در مورد ذبیح مختلف است برخی ذبیح را اسماعیل و عده‌ای اسحاق می‌دانند و من اسناد آن را در کتاب النبوه، به‌طور متصل از امام صادق ذکر کرده‌ام (همان ۲۳۰-۲۳۱). با توجه به این کلام می‌توان دریافت که شیخ صدوق یکی از معیارهایش در نقد روایات، سند روایت بوده است.

۳. استناد به آرای نقادان برجسته در ارزیابی روایان و روایاتشان

شیخ صدوق پس از نقل خبری از محمد بن عبدالله المسمعی درباره این روایت و راوی آن می‌نویسد: شیخ ما محمد بن الحسن بن احمد ابن الولید- رضی الله عنه- درباره محمد بن عبدالله مسمعی راوی این خبر اعتقاد خوبی نداشت و در نظر او مورد اعتماد نبود ولی من این خبر را در کتاب خود آوردم؛ زیرا آن را از کتاب الرحمه (تألیف سعد بن عبدالله اشعری) استخراج کردم و آن هنگام که این کتاب را بر استادم قرائت می‌کردم انکاری نکرد و عیبی نگرفت و آن را برای من روایت کرد (صدوق، عیون الاخبار، ۱۴۰۴، ق، ۲، ۲۱-۲۲).

شیخ صدوق در مورد تبعیت خود از آرای رجالی استادش می‌نویسد در خبری که شیخ یعنی محمد بن الحسن بن

احمد بن الولید صحیح نداند و به درستی آن حکم نکند، آن خبر نزد ما نیز نادرست و متروک است (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳ ق، ۲، ۹۰-۹۱).

۴. وجود یک روایت در کتاب‌های مشهور و معتبر و مورد اعتماد گذشتگان ولو منفرد باشد یا حتی وثاقت یکی از راویان احراز نشده باشد.

این مورد از معیارهای سنجش روایت در نزد شیخ صدوق به عنوان نماینده مکتب قم است. به همین علت در مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه به نام کسانی می‌رسیم که توثیق نشده‌اند اما چون حدیث آنها در کتب مورد اعتماد گذشتگان آمده است، از نظر شیخ صدوق حجت‌اند.

۵. اعتماد به نگاه‌های مشهور اصحاب

از برجسته‌ترین کتاب‌های شیخ صدوق کتاب «من لا یحضره الفقیه» است. شیخ صدوق در مقدمه کتاب می‌نویسد: «آنچه در این کتاب گزارش می‌شود همگی از نگاه‌های معتبر یاران، امامان و دانشوران بزرگ پس از آنان گرفته شده است (صدوق، من لا یحضره، ۱۴۱۳ ق، ۳، ۱). و دلیل دوم ذکر سند را بازگویی روایت از نگاه‌های شناخته‌شده و معتبر شیعیان می‌داند (صدوق، من لا یحضره، ۱۴۱۳ ق، ۵، ۱).

۶. ارجحیت برخی از روش‌های اخذ حدیث بر دیگری

از بین شیوه‌های اخذ حدیث، سماع دارای اعتبار زیادی است و بعد از آن، قرائت حدیث بر استاد و سپس اجازه نقل احادیث از استاد معتبر است. تفاوت شیوه اخذ حدیث از استاد بر اعتبار آن نیز اثر گذاشته است. شیخ طوسی تفاوت روش را در اعتبارسنجی حدیث مؤثر دانسته و می‌گوید: «و إذا كان أحد الراويين يروي الخبر سماعاً و الآخر يرويه اجازه، فینبغي أن يقدم رواية السامع على رواية المستجيز اللهم إن يروي المستجيز بإجازته اصلاً معروفاً، أو مصنفاً مشهوراً فيسقط حينئذ الترجيح و إذا كان أحد الراويين يذكر جميع ما يرويه و يقول إنه سمعه و هو ذاکر لسماعه و الآخر يرويه من كتابه، نظر فی حال الراوی من كتابه فإن ذکر أن جميع ما فی كتابه سماعه فلا ترجیح لروایه غیره علی روایه لأنه ذکر علی الجملة أنه سمع جميع ما فی دفتره و إن لم يذكر تفصیله و إن لم يذكر أنه سمع جميع ما فی دفتره و إن وجده بخطه أو وجد سماعه علیه فی حواشیه بغير خط فلا يجوز له أولاً أن يرويه و يرجح خبر غیره علیه (شیخ طوسی، العده فی اصول الفقه، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۱۵۳).

۷. اعتبارسنجی مصادر حدیثی

شیخ صدوق علاوه بر آنکه روایات را اعتبارسنجی نموده به نظر می‌رسد توجه به منابعی که از آنها نیز استفاده می‌کند داشته است. به عنوان نمونه شیخ صدوق در کتاب الکمال النعمه از منابع بسیاری استفاده نموده است که بعضی از این منابع عبارت‌اند از سیره ابن اسحاق به روایت یونس، المبتدا و المبعث و المغازی و الوفاه و السفینه و الرده نوشته ابان بن عثمان احمد یعلی و التنبيه فی الامامه تألیف ابوسهل اسماعیل بن علی بن اسحاق نوبختی و کتاب سلیم بن قیس هلالی و المعمرن و الوصایا تألیف ابوحاتم سجستانی. استفاده از منابع در این کتاب حدود ۱۵ درصد حجم کتاب را به خود اختصاص داده است که همه از منابع معتبر و اصیل است.

۸. برخورد احتیاط‌آمیز با منفردات برخی راویان به سبب توثیق نشدن صریح آنها

عبدالعظیم بن عبدالله حسنی از سهل بن سعد روایت کرده است که از امام رضا (ع) شنیدم می‌فرمودند: روزه با رؤیت است و افطار با رؤیت است و کسی که پیش از رؤیت، با استناد به رؤیت کسی که هلال با رؤیت او ثابت نشده

است روزه بگیرد، یا افطار کند، از ما نیست. سهل گفت، گفتم: یا ابن رسول‌الله پس نظر شما درباره یوم‌الشک چیست؟ فرمود: پدرم از جدم از پدرانم برای من حکایت کرد که امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: قطعاً اگر روزی از ماه شعبان را روزه بدارم برای من خوشایندتر از آن است که روزی از ماه رمضان را افطار کنم (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳ ق، ۱۲۸.۲).

شیخ صدوق درباره این خبر می‌نویسد: این حدیثی غریب است که آن را جز از طریق عبدالعظیم بن عبدالله حسنی مدفون در ری - مقابر شجره - نمی‌شناسم و اهل بیت از او رضایت داشته‌اند (صدوق، فضایل الأشهر الثلاثة، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۳). ابن بابویه (شیخ صدوق) با اشاره به غرابت خبر به سبب تفرد عبدالعظیم حسنی در نقل آن نگاه نقدآمیز خود را به منفرات عبدالعظیم حسنی با ظرافت بیان می‌کند. یا در منابع رجالی در ذیل ترجمه محمد بن ارومه آمده است: ابن ولید معتقد است منفرات محمد بن ارومه باید کنار گذاشته شود. پس یکی از معیارهای اعتبارسنجی، منفرات روایات است که صریحاً توثیق نشده است.

۹. باورهای کلامی

باورهای کلامی معیاری است که در نقد حدیث محدثان و از جمله شیخ صدوق به آن توجه داشته است. در حدیثی از رُفاعة نقل شده که می‌گوید: «در محضر امام صادق (ع) بودم که کسی از امام پرسید آیا می‌توان خرما را به شراب‌ساز فروخت؟ امام در پاسخ فرمودند بله معامله مذکور حلال است و ما هم چنین کاری را می‌کنیم (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۳۶۶، ۱۲۶.۷). این حدیث با وجودی که سند آن صحیح است اما از نگاه شیخ صدوق رد می‌شود؛ زیرا با مُبرابردن امام از کمک بر اثم و گناه در تعارض است (صدوق، الاعتقادات، ۱۳۷۱، ص ۹۶).

۱۰. کثرت حدیث

با توجه به آنچه در ذیل ترجمه‌های راویان قمی در منابع رجالی بیان شده است به نظر می‌رسد کثرت روایت می‌تواند معیاری برای اعتبارسنجی حدیث باشد؛ به‌عنوان نمونه، در بیان وثاقت احمد بن ادریس گفته شده است «کان ثقه فقیهاً فی اصحابنا کثیر الحدیث». در مورد احمد بن داوود بن علی القمی هم که فوق وثاقت است مسئله کثیرالحدیث بودنش مطرح شده است «أخو شیخنا الفقیه القمی کان ثقه کثیر الحدیث».

۱۱. توجه به استناد راوی

یکی از معیارهای سنجش روایت یک راوی، توجه به استناد راوی است. قطعاً راوی‌ای که در استنادات خود به افراد ضعیف استناد می‌کند و از ضعف نقل می‌نماید یا ابایی ندارد که از چه کسی نقل کند، ضعیف شمرده می‌شود و به روایات او نیز توجه نمی‌شود. به‌عنوان نمونه محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری قمی ضعیف شمرده شده است زیرا گفته‌اند وی از ضعف نقل حدیث کرده و باکی نداشته است که حدیث وی به چه کسی مستند شود. یا در مورد علت ضعف محمد بن جعفر بن احمد بن بطه، ابن ولید می‌گوید ضعیف است زیرا ظاهراً در حدیث تساهل داشته است و اساتید را معلق می‌آورده است.

۱۲. تحلیل محتوای حدیث

یکی از معیارهای سنجش مکتب حدیثی قم تحلیل محتوای احادیث از بعدی بود که به راوی اتهام زده می‌شد. به‌عنوان نمونه زمانی که به محمد بن ارومه اتهام زده شد که وی غالی است رجال‌پژوهان با بررسی محتوای روایات و کتب وی او را از این اتهام تبرئه نمودند و حدیثش را صحیح دانستند و گفتند چیزی از غلو و اضطراب درون احادیث

و کتب وی نیست مگر اورا قی در تفسیر باطن که به نظر می‌رسد این هم جعلی است و به وی نسبت داده شده است.

پاسخ به سؤال دوم پژوهش. تا چه حد متخصصان علم‌الحدیث درباره همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی توافق دارند؟

با توجه به اینکه در پژوهش حاضر تعداد اعضای گروه در هر گروه ۳۰ نفر بودند، مقدار n در فرمول ۳۰ قرار داده شد؛ همچنین، مقدار n_e برای هر گویه تعداد اعضای از گروه بودند که با انتخاب گزینه موافقم همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث را با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی تأیید کرده بودند. مقادیر ضریب اعتبار محتوا برای هر گویه در جدول ۱ ذکر شده است.

جدول ۱. مقادیر ضریب اعتبار محتوا و میانگین قضاوت متخصصان علم‌الحدیث برای هر گویه

ردیف	حوزه	گویه	ضریب اعتبار محتوا	میانگین پذیرش
۱	علم‌الحدیث	سند حدیث از راوی تا معصوم پیوسته باشد (حدیث مسند)	۰.۷۳	۱.۸۳ پذیرش
	علم‌سنجی	زنجیره استناد به مدارک به صورت نامنقطع باشد (استناد نامنقطع)		
۲	علم‌الحدیث	اتصال حدیث به معصومین از طریق ذکر یکایک راویان، نشان‌دهنده اعتبار حدیث است	۰.۱۳	۱.۱۳ رد
	علم‌سنجی	استناد دادن به اصل منبع به جای منبع واسط بیان‌کننده اعتبار بیشتر استناد است		
۳	علم‌الحدیث	تعدد راویان یک حدیث بر صحت آن حدیث دلالت می‌کند	۰.۶۷	۱.۷ پذیرش
	علم‌سنجی	فراوانی استناد به یک مدرک را می‌توان نشانه اعتبار آن مدرک دانست		
۴	علم‌الحدیث	عدالت و امامی بودن راوی می‌تواند نشانه‌ای از صحت حدیث روایت شده باشد	۰.۵۳	۱.۶ پذیرش
	علم‌سنجی	استناد افراد معتبر موجب اعتباربخشی به آثار مورد استناد می‌شود		
۵	علم‌الحدیث	کثرت روایات توسط یک راوی می‌تواند نشانه‌ای از صحت احادیث روایت‌شده توسط او محسوب شود	۰.۵۳-	۰.۵۷ رد
	علم‌سنجی	کثرت استناد به آثار علمی توسط یک مؤلف می‌تواند بیانگر اهمیت و اعتبار استنادها نیز به شمار رود		
۶	علم‌الحدیث	اعتبار منابعی که راوی به آنها استناد می‌کند نشانه‌ای از اعتبار روایت آن راوی محسوب می‌شود	۰.۶۷	۱.۷ پذیرش
	علم‌سنجی	اعتبار ارجاعات علمی مورد استفاده نویسنده به معنای اعتبار اثر علمی آن نویسنده نیز محسوب می‌شود		
۷	علم‌الحدیث	نقل حدیث توسط مشایخ حدیث باشد (جماعتی که احادیث پیوسته توسط آنان یا از طریق آنان نقل شده است)	۰.۶	۱.۷ پذیرش
	علم‌سنجی	اثر در جمع کوچکی از آثار که پیوسته مورد استناد قرار گرفته‌اند حضور یافته باشد = clone		

ادامه جدول ۱. مقادیر ضریب اعتبار محتوا و میانگین قضاوت متخصصان علم‌الحدیث برای هر گویه

ردیف	حوزه	گویه	ضریب اعتبار محتوا	میانگین پذیرش
۸	علم‌الحدیث علم‌سنجی	هرچه راوی حدیث به لحاظ زمانی از ائمه دورتر باشد از میزان اعتبار حدیث کاسته می‌شود با گذشت زمان از میزان سودمندی انتشارات علمی کاسته می‌شود	۰.۰۶-	۱
۹	علم‌الحدیث علم‌سنجی	علم‌الحدیث حدیث در منابع مشهور حدیثی و مورد اعتماد گذشتگان وجود داشته باشد اثر در منابع معتبر مانند نمایه استنادی و غیره نمایه شده باشد	۰.۹۳	۱.۹۳ پذیرش
۱۰	علم‌الحدیث علم‌سنجی	علم‌الحدیث حدیث از زبان علمی معیار مانند قواعد زبانی، بلاغت و جز آن پیروی کند وجود غلط‌هایی در نگارش و اصول نگارش علمی اعتبار اثر را پایین می‌آورد	۰.۸۷	۱.۹ پذیرش
۱۱	علم‌الحدیث علم‌سنجی	علم‌الحدیث حدیث با قطعیات علمی تناقض نداشته باشد محتوای مدرک با بدیهات علمی تناقض نداشته باشد	۰.۸۷	۱.۹ پذیرش

جدول ۲. مقدار ضریب اعتبار محتوای قابل پذیرش بر مبنای تعداد اعضای گروه

تعداد اعضای گروه	مقدار ضریب اعتبار محتوای قابل پذیرش
۵	۰.۹۹
۶	۰.۹۹
۷	۰.۹۹
۸	۰.۷۵
۹	۰.۷۸
۱۰	۰.۶۲
۱۱	۰.۵۹
۱۲	۰.۵۶
۱۳	۰.۵۴
۱۴	۰.۵۱
۱۵	۰.۴۹
۲۰	۰.۴۲
۲۵	۰.۳۷
۳۰	۰.۳۳
۳۵	۰.۳۱
۴۰	۰.۲۹

لاوشی (۱۹۷۵) در تفسیر مقدار ضریب اعتبار محتوا اشاره می‌کند که هرچه تعداد اعضای گروه افزایش یابد، مقدار ضریب اعتبار محتوای قابل پذیرش کاهش خواهد یافت. در جدول ۲ مقدار ضریب اعتبار محتوای قابل پذیرش بر مبنای تعداد اعضا آمده است. نظر به تعداد اعضای گروه پژوهش حاضر، یعنی ۳۰ نفر در هر گروه، مقدار ضریب اعتبار محتوای قابل پذیرش برای هر گویه مقدار ۰.۳۳ است.

با توجه به مقدار ضریب مورد پذیرش (۰.۳۳) و ضرایب اعتبار محتوای مندرج در جدول ۱، از بین ۱۱ گویه مورد بررسی، در هشت گویه میان متخصصان علم الحدیث در مورد همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی توافق وجود داشت (سطرهای سفید جدول ۱)؛ اما در گویه‌های دو، پنج و هشت مقدار ضریب اعتبار محتوایی کمتر از حد قابل پذیرش (۰.۳۳) بود (سطرهای خاکستری جدول ۱)؛ در نتیجه، می‌توان گفت متخصصان علم الحدیث در هشت گویه در مورد مطابقت محتوایی گویه‌ها توافق داشتند ولی برای سه گویه توافق نداشتند.

در مورد گویه‌هایی که مقدار ضریب اعتبار محتوای آنها قابل پذیرش نیست، لاوشی (۱۹۷۵) اشاره می‌کند که می‌توان از میانگین مقادیر قضاوت اعضای گروه نیز برای پذیرش یا رد گویه‌های باقی‌مانده (رد شده) استفاده کرد. به منظور محاسبه میانگین قضاوت اعضای گروه برای هر یک از گویه‌های سیاهه واری بایستی به مقیاس موافق هستم عدد دو، نظری ندارم عدد یک و موافق نیستم عدد صفر اختصاص یابد. این مقادیر نیز محاسبه شدند که در ستون سمت چپ جدول ۱ قابل مشاهده هستند. گویه‌هایی که میانگین قضاوت اعضای گروه در مورد آنها ۱.۵ یا بالاتر است و مقدار ضریب اعتبار محتوای آنها بین صفر تا حداقل مقدار توافق شده است، قابل پذیرش هستند.

با توجه به مقادیر مندرج در جدول ۱ در رابطه با میانگین قضاوت اعضای گروه برای هر گویه و مقدار ضریب اعتبار محتوا، می‌توان گفت که در هر سه گویه (دو، پنج و هشت) در گروه متخصصان علوم قرآنی، میانگین قضاوت کمتر از ۱.۵ است؛ به عبارتی، در هر سه مورد کمتر از نیمی از افراد گزینه موافقم را انتخاب کرده بودند؛ بنابراین، بر اساس میانگین قضاوت اعضای گروه هم، هیچ‌یک از سه گویه مذکور تأیید نمی‌شوند.

پاسخ به سؤال سوم پژوهش. تا چه حد متخصصان علم‌سنجی درباره همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی توافق دارند؟

همانند سؤال اول پژوهش، به منظور سنجش میزان توافق متخصصان علم‌سنجی درباره همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث و شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی از روش پیشنهادی لاوشی (۱۹۷۵) استفاده شد. بدین منظور ابتدا ضریب اعتبار محتوایی گویه‌ها محاسبه گردید و در گام بعدی میانگین قضاوت انجام شده به دست آمد (جدول ۳). لازم به ذکر است که با توجه به اینکه تعداد اعضای گروه متخصصان علم‌سنجی نیز ۳۰ نفر بود، مقدار n در فرمول ضریب اعتبار محتوایی گویه‌ها ۳۰ قرار داده شد.

با توجه به مقدار ضریب مورد پذیرش (۰.۳۳) و ضرایب اعتبار محتوا مندرج در جدول ۳ برای متخصصان علم‌سنجی، همانند متخصصان علم الحدیث از میان ۱۱ گویه مورد بررسی، در هشت گویه در مورد مطابقت محتوایی مفاهیم توافق وجود داشت (جدول ۳)؛ اما در گویه‌های دو، پنج و هشت مقدار ضریب اعتبار محتوایی کمتر از حد قابل پذیرش (۰.۳۳) بود؛ در نتیجه، می‌توان گفت متخصصان علم‌سنجی در ۸ گویه در مورد مطابقت محتوایی گویه‌ها توافق داشتند؛ ولی در مورد ۳ گویه توافق نداشتند.

جدول ۳. مقادیر ضریب اعتبار محتوا و میانگین قضاوت متخصصان علم سنجی برای هر گویه

ردیف گویه	ضریب اعتبار محتوا	میانگین قضاوت	پذیرش یا رد
۱	۰.۶۷	۱.۷	پذیرش
۲	۰.۲	۱.۲۷	رد
۳	۰.۶	۱.۷۷	پذیرش
۴	۰.۷۳	۱.۸	پذیرش
۵	۰	۱.۷	پذیرش
۶	۰.۸۷	۱.۹	پذیرش
۷	۰.۵۳	۱.۷	پذیرش
۸	-۰.۱۳	۰.۹	رد
۹	۰.۶۷	۱.۷	پذیرش
۱۰	۰.۶۷	۱.۷۳	پذیرش
۱۱	۰.۷۳	۱.۸۳	پذیرش

همچنین در مورد گویه‌هایی که مقدار ضریب اعتبار محتوای آنها قابل پذیرش نیست، با توجه به میانگین قضاوت اعضای گروه علم‌سنجی مندرج در جدول ۳، در دو گویه (دو و هشت) میانگین قضاوت کمتر از ۱.۵ بود، اما در یک گویه (پنج) میانگین قضاوت ۱.۷ بود؛ به عبارتی، می‌توان این گویه را مورد توافق متخصصان علم‌سنجی دانست.

پاسخ به سؤال چهارم پژوهش. میزان توافق کلی متخصصان علم‌سنجی و علم‌الحدیث درباره همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی چقدر است؟

به منظور سنجش میزان توافق نهایی متخصصان علم‌الحدیث و علم‌سنجی درباره همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی از شاخص اعتبار محتوا^۱ پیشنهادی توسط لاوشی استفاده شد. این شاخص میانگین ضریب اعتبار محتوایی گویه‌های باقی‌مانده (پذیرفته‌شده) در سیاهه واری است. هرچه شاخص اعتبار محتوای نهایی بالاتر باشد، مقدار این شاخص به سمت ۰.۹۹ میل می‌کند و برعکس. این شاخص با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$CVI = \frac{\sum_{i=1}^I CVR}{n \text{ retained numbers}}$$

پیش از محاسبه این شاخص اشاره می‌شود که علی‌رغم این‌که گویه پنج از نظر متخصصان علم‌سنجی قابل پذیرش است، اما به دلیل این‌که این گویه مورد توافق متخصصان علم‌الحدیث قرار نداشت در محاسبه شاخص اعتبار محتوا لحاظ نگردید و تنها هشت گویه مورد توافق دو گروه متخصصان علم‌الحدیث و علم‌سنجی ملاک عمل قرار گرفت. در فرمول شاخص اعتبار محتوا، صورت کسر عبارت است از حاصل جمع ضریب اعتبار محتوایی گویه‌های به‌دست‌آمده از جداول ۱ و ۳ برای هریک از دو گروه متخصصان علم‌الحدیث و علم‌سنجی. مقادیر صورت کسر برای این دو گروه به ترتیب ۵.۸۷ و ۵.۴۷ به دست آمد. مخرج کسر در فرمول پیش‌گفته، با توجه به تعداد گویه‌های تأییدشده در سیاهه واری که هشت گویه بود، برای هر یک از دو گروه متخصصان علم‌سنجی و علم‌الحدیث مقدار هشت در نظر گرفته شد. بر این اساس شاخص اعتبار محتوای نهایی سیاهه واری برای متخصصان علم‌الحدیث برابر با ۰.۷۳ و برای متخصصان علم‌سنجی برابر با ۰.۶۸ به دست آمد که با توجه به تعداد ارزیابان و ضریب اعتبار محتوایی قابل پذیرش برای آنها (۰.۳۳)، می‌توان گفت متخصصان علم‌الحدیث و علم‌سنجی درباره همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی با یکدیگر توافق داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در پاسخ به پرسش اول، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که مهم‌ترین معیار اعتبارسنجی احادیث، اعتبارسنجی به‌وسیله قیاس حدیث با سایر اعتبارات و مستندات است. از جمله این اعتبارات و مستندات می‌توان به قرآن، سنت، سیره معصومان، مسلمات علمی، قواعد زبانی و بلاغت عربی، مطابقت متن حدیث با تاریخ معتبر و اصول اعتقادی اشاره کرد. این امر با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های نفیسی (۱۳۸۰) و بینا نمین (۱۳۹۲) و کرمی جورابی (۱۳۹۷) مبنی بر اهمیت توجه به قیاس حدیث با سایر مستندات از جمله قرآن و سیره معصومین همسو می‌باشد.

1 . Content validity index

سایر معیارهای اعتبارسنجی احادیث شامل صحت سند، استناد به آرای نقادان برجسته در ارزیابی روایان و روایاتشان، وجود روایت در کتاب‌های مشهور و معتبر و مورد اعتماد گذشتگان، اعتماد به نگاه‌های مشهور اصحاب، ارجحیت برخی از روش‌های اخذ حدیث بر دیگری، اعتبارسنجی مصادر حدیثی، برخورد احتیاط‌آمیز با منفردات برخی روایان به سبب توثیق‌نشدن صریح آنها، باورهای کلامی، کثرت حدیث، توجه به استناد راوی و تحلیل محتوای حدیث بود. نتایج به دست آمده با نتایج به دست آمده از دیمه‌کار و باقری (۱۳۹۵) و آشناور و همکاران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. در پژوهش‌های مذکور نیز بر اهمیت برخی موارد مذکور مانند توجه به استناد راوی، و صحت سند تأکید شده است.

از سوی دیگر یافته‌های پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که در مجموع صحت و درستی هشت گویه (اول، سوم، چهارم، ششم، هفتم، نهم، دهم و یازدهم) مورد توافق متخصصان علم‌الحدیث و علم‌سنجی است. از دیدگاه متخصصان دو حوزه، زنجیره استناد در علم‌سنجی برابر با زنجیره روایان در علم‌الحدیث در نظر گرفته شده و اهمیت منشأ اصلی تفکر در علم‌سنجی با اهمیت سخنان معصوم در علم‌الحدیث را می‌توان مشابه دانست (گویه اول). در ارتباط با گویه سوم (تعداد روایان یک حدیث بر صحت آن حدیث دلالت می‌کند/فراوانی استناد یک مدرک را می‌توان نشانه اعتبار آن مدرک دانست) یکی از متخصصان می‌گوید: «در صورتی که کثرت روایان و کثرت استنادات بر مبنای صحت و اعتبار باشد، گویه فوق صحیح است»؛ بنابراین، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که فراوانی استناد، مشابه با تعدد روایان است و صحت حدیث می‌تواند در مقابل اعتبار مدرک قرار گیرد. البته باید توجه داشت در علم‌الحدیث کثرت روایان در طبقه‌های مختلف مورد نظر است اما در علم‌سنجی کثرت استنادات در طبقه‌ها یا رشته‌های مختلف مدنظر نیست. از دیدگاه متخصصان، عدالت و شهرت روایان می‌تواند معادل با شهرت و اعتبار استنادکنندگان باشد و موجب صحت و اعتبار احادیث شود؛ بنابراین می‌توان گفت که اعتبار اشخاص و روایان می‌تواند موجب اعتبار منابع و آثار شود (گویه چهارم). به باور متخصصان، ارجاعات علمی در علم‌سنجی با منابع مورد استناد راوی در حدیث مشابه هستند و هر دو می‌توانند نشانه‌ای از اعتبار باشند؛ به بیانی دیگر، ارجاع به منابع علمی معتبر، نشانه اعتبار مدرک است؛ و استناد به منابع معتبر، نشانه اعتبار روایت (گویه ششم).

در رابطه با گویه هفتم (نقل حدیث توسط مشایخ حدیث باشد/اثر در جمع کوچکی از آثار که پیوسته مورد استناد قرار گرفته‌اند حضور یافته باشد) نظر متخصصان این است که، نقل حدیث مشابه با نوشتن آثار است. منابعی که پیوسته مورد استناد قرار می‌گیرند معادل اشخاصی هستند که به‌طور پیوسته احادیث را نقل می‌کنند. یکی از متخصصان در این زمینه می‌گوید: «البته با گذشت زمان همان‌گونه که ممکن است ارزش منابع علمی کم یا زیاد شود، اعتبار احادیث نیز وابسته به اعتبار مشایخ حدیثی است»؛ بنابراین، باید توجه داشت که هیچ‌کدام از این دو مورد، به‌تنهایی نشانه اعتبار نیستند. همچنین، از نظر متخصصان، منابع مرجع حدیثی مشابه نمایه‌های استنادی هستند و بر اساس آنها می‌توان اعتبار منابع یا احادیث را تأیید کرد (گویه نهم). یکی از متخصصان در ارتباط با گویه دهم (حدیث از زبان علمی معیار مانند قواعد زبانی، بلاغت و جز آن پیروی کند/وجود غلط‌هایی در نگارش و اصول نگارش علمی اعتبار اثر را پایین می‌آورد) می‌گوید: «رکاکت لفظی در علم‌الحدیث ممکن است بر اثر نقل به معنا رخ داده شود همچنان که غلط‌های نگارشی ممکن است از روی سهو یا غلط چاپی باشند»؛ بنابراین، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که اگر وجود غلط‌ها نشانگر بی‌سوادی فرد باشد یا استفاده از متن را به دور از دسترس سازد، اعتبار حدیث یا منبع علمی از بین می‌رود. در گویه یازدهم (حدیث با قطعیت علمی تناقض نداشته باشد و محتوای مدرک با بدیهات علمی تناقض

نداشته باشد) یکی از متخصصان می‌گوید: «ممکن است به دلیل خطاپذیری و ابطال‌پذیری علم، احادیث یا منابع علمی معتبر با برخی از فرضیات یا نظریه‌های علمی ناقص، تناقض داشته باشند اما با بدیهیات علمی و علم قطعی هیچ‌گونه تناقضی ندارند».

نادرستی دو گویه (دوم و هشتم) نیز مورد توافق متخصصان علم‌الحديث و علم‌سنجی بود. در گویه دوم (اتصال حدیث به معصومین (ع) از طریق ذکر یک‌یک راویان، نشان‌دهنده اعتبار حدیث است/استناد دادن به اصل منبع به جای منبع واسط بیان‌کننده اعتبار بیشتر استناد است) از نظر متخصصان، جمله مربوط به علم‌سنجی اشتباه است. یکی از متخصصان در این مورد می‌گوید: «استناد به منبع واسط به جای اصل منبع به این معناست که به منبع اصلی مراجعه نشده یا در دسترس نبوده است و این از اعتبار استناد نمی‌کاهد». یکی دیگر از متخصصان نیز می‌گوید: «درحقیقت جمله علم‌سنجی با یکی از قواعد نقد حدیث سازگارتر است که بر آن است حدیث را باید به منابع اصلی و کهن آن و قدیمی‌ترین اثر ارجاع داد». به عبارتی دیگر، می‌توان گفت، به جای اسناد دادن حدیث به معصوم (منبع اصلی) به صحابه (منبع واسط) اسناد دهیم که در این صورت در علم درایه نیز چنین حدیثی ضعیف شمرده می‌شود و از اعتبارش کاسته می‌شود.

در ارتباط با گویه هشتم (هرچه راوی حدیث به لحاظ زمانی از ائمه دورتر باشد از میزان اعتبار حدیث کاسته می‌شود/با گذشت زمان از میزان سودمندی انتشارات علمی کاسته می‌شود) از نظر متخصصان، این دو گزینه همسان نیستند. یکی از متخصصان می‌گوید: «کاهش اعتبار روایت به لحاظ دور شدن از زمان ائمه به این دلیل است که با دور شدن از اصل مصدر حدیث احتمال دخل و تصرف در روایت بیشتر می‌شود ولی در مورد سودمندی انتشارات با گذشت زمان شاید به این دلیل باشد که کتاب‌های بعدی کامل‌تر شده و افراد دیگر به منبع قدیمی‌تر مراجعه نمی‌کنند و لذا از سودمندی آن کاسته می‌شود؛ بنابراین، با بررسی و تحلیل نظر متخصصان می‌توان به این نتیجه رسید که، احادیث یا مبتنی بر اخبار هستند یا امر و نهی و هر دو با گذشت زمان اعتبارشان یکسان است و این ادعای دین است که امر و نهی و اخبار اعتقادی فرازمانی است، هر چند ممکن است در نقل آنها خلل وارد شود؛ اما، آثار علمی با تحقیقات جدیدی روبه‌رو می‌شوند و مطالب جدیدی بر علوم قبلی افزوده می‌شود یا تصحیح می‌شود، آثار جدید درخصوص یک موضوع، مقدم‌تر بر آثار قدیمی آن خواهد بود.

با توجه به موارد گفته‌شده می‌توان چنین استنباط کرد که به‌طور کلی متخصصان علم‌الحديث و علم‌سنجی درباره همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی با یکدیگر توافق دارند؛ این توافق نشان‌دهنده رابطه نزدیک این دو حوزه با یکدیگر است. همان‌گونه که حری (۱۳۶۲) اشاره می‌کند "هر دو حوزه علم‌سنجی و علم‌الحديث رابطه میان متن (استناددهنده) و سند (مورد استناد) را بر اساس قواعدی مشخص بررسی و جستجو می‌کنند؛ با این تفاوت که در علم‌الحديث، از استناد جهت اعتبارسنجی احادیث استفاده می‌شده است؛ اما در علم‌سنجی، از استناد جهت اعتبارسنجی متون علمی استفاده می‌شود". حری (۱۳۶۲) اضافه می‌کند که "تنها حوزه با قدمتی که استناد را مورد توجه قرار داده علم‌الحديث است که به دلیل ماهیت موضوعش مسئله استناد را دقیقاً بررسی کرده و برای آن قواعد و شرایطی تعیین کرده است؛ بنابراین، می‌توان ریشه استناد به مفهوم امروزی را در علم‌الحديث جستجو نمود. اما به دلیل اینکه استناد در گذشته ضوابطی مدون نداشته، نمی‌توان آن را مبانی نظری تلقی کرد. این حقیقت، اعتبار و اهمیت استناد را بیش از پیش نشان می‌دهد".

همچنین در مورد عدم همخوانی برخی معیارهای اعتبارسنجی احادیث با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی، میان متخصصان دو حوزه توافق نظر بود. تنها مورد اختلاف، گویه پنجم بود. کثرت روایات توسط یک راوی می‌تواند نشانی از صحت احادیث روایت‌شده توسط او محسوب شود (علم‌الحديث)/ کثرت استناد به آثار علمی توسط یک مؤلف می‌تواند بیانگر اهمیت و اعتبار استنادها نیز به شمار رود (علم‌سنجی). دلیل این امر را می‌توان، تفاوت بین ماهیت احادیث در حوزه علم‌الحديث و منابع علمی در علم‌سنجی دانست. به عبارتی دیگر، تفاوت بین ماهیت منابع علمی و احادیث می‌تواند موجب تفاوت‌هایی در معیارها و رویکردها شده باشد.

در رابطه با ماهیت حدیث باید گفت که حدیث را در اسلام به گفته‌های پیامبر بزرگ خدا، حضرت محمد (ص) می‌گفتند و اگر هم کسی سخنان پیامبر خدا (ص) را برایشان نقل می‌کرد، به آن نقل قول‌ها هم حدیث می‌گفتند. مسلمانان احادیث را برای یکدیگر حکایت کرده و این حکایت‌ها را «روایت» و «خبر» و به شخص گوینده حدیث، «محدث» و «راوی» می‌گفتند. برخی از صاحب‌نظران، احادیث هر یک از معصومین (ع) و سنت نبوی را هم وزن قرآن کریم می‌دانند و روایات اهل بیت (ع) در حد آیات قرآن، ارزش و اعتبار علمی دارند. به این دلیل که سخن پیامبر اسلام (ص) به صورت مستقیم و سخن سایر معصومین (ع) به صورت غیرمستقیم به منبع وحی متصل است و هریک از آنها ریشه در آسمان دارد، بین گفتار خدا و پیامبرش ارتباط برقرار است و این نشان می‌دهد که گفتار پیامبر (ص) وحی الهی است. بنابراین با نظر به جایگاه وحیانی حدیث است که رهبران دینی به پیروان خود توصیه می‌کردند که سیره و سنن معصومین (ع) را در معیت قرآن کریم احیا کنند و در گفتمان‌های خود از آنها بهره گیرند. که مهم‌ترین دلیل این کار انتقال علوم اهل بیت (ع) است، احیای امر اهل بیت (ع) با آموزش و انتقال علوم و معارف وحی‌آموز آنان امکان‌پذیر است و این آموزش جز از راه نقل حدیث و تبیین روایات و میراث ارزشمند فرهنگی آنان امکان‌پذیر نیست (وفا، ۱۳۸۹).

از طرفی در رابطه با ماهیت منابع علمی باید گفت که یک اثر علمی گزارش نوشته‌شده و انتشار یافته‌ای است که نتایج تحقیقات را تشریح می‌کند. مقاله علمی به عنوان یک منبع علمی، نوشته‌ای موجز و منسجم است، که در یک زمینه موضوعی مشخص و به زبان رسمی و معیار تدوین می‌شود. معمولاً ساختار مقاله چندجزئی و در چارچوب یکی از الگوهای مورد تأیید مجامع علمی است. مقاله علمی باید عاری از ابهام باشد، هدفی مشخص داشته باشد، به پرسش‌هایی معین پاسخ دهد، بیانگر اندیشه‌ها، یافته‌ها و دیدگاه‌های نویسنده یا نویسندگان آن باشد، و به نتیجه‌ای روشن منتهی شود. مقاله‌ها به عنوان یکی از فراگیرترین ابزار انتشار نتایج پژوهش‌های نوین، جایگاهی ویژه در انعکاس پیشرفت‌های علمی دارند (منصوریان، ۱۳۸۹). هدف مقاله‌ها انتشار یافته‌های پژوهشی و اخبار مرتبط با آن است. مقاله‌ها تلاش دارند دانش جدیدی را در آن حوزه فراهم کنند.

پیشنهاد‌های اجرایی پژوهش

با توجه به قرابت‌های مشاهده‌شده در شاخص‌های ارزیابی منابع در حوزه علم‌سنجی و علم‌الحديث، می‌توان پایگاه‌هایی از منابع حدیثی ایجاد نمود که علاوه بر معیارهای موجود در علم‌الحديث از پتانسیل شاخص‌های ارزیابی منابع در علم‌سنجی بهره گرفت و در نتیجه معیارهایی غنی‌تر و درعین حال کمی برای تعیین اعتبار منابع حدیثی فراهم نمود.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

در نهایت باید به این امر اشاره کرد که در این پژوهش تلاش شد تا میزان همخوانی معیارهای اعتبارسنجی احادیث در مکتب حدیثی قم با شاخص‌های اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی از دیدگاه متخصصان علم‌الحدیث و علم‌سنجی مورد بررسی قرار گیرد. توجه به معیارهای اعتبارسنجی احادیث در سایر مکاتب حدیثی و مقایسه آنها با شاخص‌های علم‌سنجی می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد کنکاش قرار گیرد. همچنین به منظور روشن‌شدن ابعاد اعتبارسنجی احادیث در علم‌الحدیث و اعتبارسنجی منابع در علم‌سنجی پیشنهاد می‌شود پژوهشی مشابه به روش گروه‌های کانونی^۱ و با حضور مستقیم دو گروه متخصصان علم‌سنجی و علم‌الحدیث انجام شود.

فهرست منابع

- آشناور، مهدی و همکاران (۱۳۹۷). اعتبارسنجی نقد حدیث بر پایه علوم تجربی. علوم قرآن و حدیث، ۹، ۸۵-۳۵.
- بینا نمین، رامین (۱۳۹۲). گزارشی از مبانی و معیارهای نقد متون احادیث عرفانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- پرتوی، مهدی (۱۳۹۰). روش‌شناسی علامه مجلسی در نقد متن حدیث. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- تقیان‌پور، سکینه (۱۳۹۱). روش‌شناسی علامه عسکری در نقد روایات خلفا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه کاشان.
- جباری، محمدرضا (۱۳۷۹). شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم. مطالعات اسلامی، ۴۹ و ۵۰، ۸۰-۵۷.
- جباری، محمدرضا (۱۳۸۴). مکتب حدیثی قم: شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری. قم: زائر آستانه مقدسه.
- جمالی مهموئی، حمیدرضا (۱۳۹۱). کتاب‌شناسی علم‌سنجی. پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.
- حری، عباس (۱۳۶۲). تحلیل استنادی و شباهت‌های آن با علم‌الحدیث. نشر دانش، ۲۰، ۱۱-۱۷.
- حری، عباس (۱۳۸۱). تحلیل استنادی. دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- حری، عباس و شاه‌بداغی، اعظم (۱۳۸۵). شیوه‌های استناد در نگارش‌های علمی رهنمودهای بین‌المللی. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.

1 . Focus groups

- حقیقی، محمود (۱۳۸۱). کاربرد استناد در نگارش‌های علمی. *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۶۵، ۲۳۲-۲۱۵.
- حمادی، عبدالرضا و حسینی، سید علیرضا (۱۳۹۶). کلینی و حوزه حدیثی قم. *حدیث پژوهی*، ۱۷، ۱۴۶-۱۲۵.
- حیدری، سید کمال (۱۳۹۷). *ضرورت نقد متنی و محتوایی روایات*. بازیابی ۲۰ تیر ۱۳۹۸، از koosha.ir.
- خاصه، علی اکبر؛ فریبرز احمدی نژاد و سلیمان حجازی (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل پژوهش‌های قرآنی در عرصه بین‌المللی ISI. *قرآن و علم*، ۱۰ (۱)، ۱۴۵-۱۶۶.
- خاصه، علی اکبر و سلیمان حجازی (۱۳۹۴). زبان بین‌المللی، حلقه مفقوده پژوهش‌های قرآنی: نگاهی به مقالات آی.اس.ای با موضوعات قرآنی، مجموعه مقالات برگزیده نوزدهمین جشنواره قرآن و عترت دانشگاه پیام نور، زنجان: دانشگاه پیام نور.
- خاموشی، مجید (۱۳۹۰). پالایش احادیث در عصر ائمه علیهم السلام و پدیده جعل. *حدیث حوزه*، ۲، ۱۰۴-۱۲۱.
- ربانی، علی (۱۳۷۷). *فرق و مذاهب کلامی*. قم: مرکز جهانی.
- شانه‌چی، کاظم (۱۳۶۳). *پژوهشی درباره حدیث و فقه*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- عابدی، احمد (۱۳۹۱). استناد در علم حدیث. *ره‌آورد نور*، ۴۰، ۳۹-۳۲.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۱). *الاعتقادات*. ترجمه محمدعلی ابن سید محمدالحسنی. تهران: علمیه اسلامیة.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۲). *عیون أخبار الرضا (ع)*. ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری. تهران: صدوق.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۴ق). *عیون أخبار الرضا (ع)*. بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۲ق). *فضائل الأشهر الثلاثة*. بیروت: دار المحجة البيضاء.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری*. قم: دفتر انتشارات اسلامی چاپ دوم.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۶). *تهذیب الاحکام*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). *العدة فی أصول الفقه*. قم: تیزهوش.

عصاره، فریده و همکاران (۱۳۸۸). از کتاب‌سنجی تا وب‌سنجی: تحلیلی بر مبانی، دیدگاه‌ها، قواعد و شاخص‌ها. تهران: کتابدار.

فتاحی‌زاده، فتحیه (۱۳۸۹). مبانی و روش‌های نقد حدیث در کتب اربعه. قم: دانشگاه قم.

قائدی، محمدرضا و گلشنی، علی‌رضا (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۲۳، ۵۷-۸۲.

قاضی‌زاده، حمید، سهیلی، فرامرز، خاصه، علی‌اکبر (۱۳۹۷). ترسیم ساختار دانش در پژوهش‌های علوم قرآن و حدیث ایران با استفاده از تحلیل هم‌واژگانی. پژوهش‌نامه علم‌سنجی، ۴ (۸)، ۱۰۱-۱۲۲.

قیاسی، میترا و همکاران (۱۳۸۴). تحلیل استنادی و روش‌شناختی پایان‌نامه‌های فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۳، ۱۹۲-۱۶۵.

کریمی‌جورابی، محمد (۱۳۹۷). بررسی دیدگاه علامه طباطبایی پیرامون روایات با معیار عرضه بر قرآن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم قرآنی. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

کریمی، رضا و سلیمانی، راضیه (۱۳۸۷). تحلیل استنادی مقالات فصلنامه علوم حدیث. علوم حدیث، ۳ و ۴، ۴۲۲-۴۰۰.

کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). رجال کشی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۹). الکافی. قم: دارالحدیث.

متقی‌دادگر، امیر؛ کریمی، رضا و جعفر عباداله عموقین (۱۳۸۸). تحلیل استنادی مقالات ۳۰ شماره از فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی منتشره بین سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۶۸. فلسفه و کلام: پژوهش‌های فلسفی کلامی، ۴۱، ۳۱۵-۲۸۷.

مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۹۰). تاریخ حدیث. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۹۲). علم/حدیث. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

مرادی‌پر، لعلیا (۱۳۹۴). بررسی جایگاه عقل و نقش آن در نقد حدیث از دیدگاه فریقین. پایان‌نامه دکتری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه علوم قرآن و حدیث. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمه الاطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

موسوی چلک، افشین، سهیلی، فرامرز، خاصه، علی اکبر (۱۳۹۶). رابطه بین نفوذ اجتماعی و بهره‌وری و کارایی در شبکه اجتماعی هم‌نویسندگی پژوهشگران علوم قرآن و حدیث ایران. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲۰ (۳)، ۵۰-۷۴.

منتظری، مجتبی (۱۳۸۷). نقد و تصحیح حدیث از منظر استاد علی اکبر غفاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد. دانشگاه امام صادق.

منصوریان، یزدان (۱۳۸۹). مبانی نگارش علمی. تهران: کتابدار.

نقیسی، زهرا (شادی) (۱۳۸۰). معیارهای نقد متن در ارزیابی حدیث. مقالات و بررسی‌ها، ۷۰، ۱۱-۴۴.

یوسفی تازه‌کندی، عباس (۱۳۹۳). روش‌ها و معیارهای فهم و نقد حدیث از دیدگاه آیت‌الله معرفت (ره). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی. دانشگاه قم.

نصیری، علی (۱۳۸۶). آشنایی با علوم حدیث. قم: حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات.

وفا، جعفر (۱۳۸۹). حدیث‌شناسی. پیام، ۹۹، ۱۸۹-۱۸۰.

Ayoub,d.(2018). matn criticism and its role in the evaluation of hadith authenticity. *international journal of islamic studies and humanities*.1(1),69-75

Ayre, C., & Scally, A. J. (2014). Critical values for Lawshe's content validity ratio: revisiting the original methods of calculation. *Measurement and Evaluation in Counseling and Development*, 47(1), 79-86.

Baraka,R.&Dalloul,Y(2014). Building Hadith Ontology to Support the Authenticity of Isnad. *International Journal on Islamic Applications in Computer Science And Technology*.2(1),25-39.

Dad,K&Shafigh,M.S(2014). Mursal Hadith & its Authenticity: A critical analysis.*Acta Islami-ca*,2(1),21-33

Hussain,A.Ibrahim, M &Saeed,S.(2014). A bibliometric analysis of contributions in Islamic studies (journal):2009-2011.*Pakistan library association journal*,24-33

Elo, S., & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of advanced nursing*, 62(1), 107-115.

Gilbert, G. E., & Prion, S. (2016). Making sense of methods and measurement: Lawshe's Content Validity Index. *Clinical Simulation in Nursing*, 12(12), 530-531

- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity 1. *Personnel psychology*, 28(4), 563-575.
- Leedy, P. D., & Ormrod, J. E. (2001). *Practical Research: Planning and Design*, Merrill Prentice Hall. New Jersey.
- Sadeghian, N. (2018). Qur'anic Studies based on Web of Science. *Ijism*. 16(2)79-89.
- Syed, M., Halawi, D., Sadeghi, B. & Saquib, N. (2019). Verifying Source Citations in the Hadith Literature *Journal of Medieval Worlds*. 1 (3), 5–20.